



”بی.بی.سی“: شکل، محتوا و رسالت تاریخی

نه ”نمادی“ بیرونی، و مدت هاست که ”موضوعیت“ و تأثیر گذاری معنوی- سیاسی خود را از دست داده است. آیا انتشار دهها مقاله و مطلب، و برنامه تلویزیونی درباره حزب توده ایران از سوی این گروه‌ها از سر دلسوزی و به قصد روشن کردن گوشه‌های ناروشن تاریخ راستین کهن‌ترین حزب سیاسی ایران است؟ آیا سازمان‌دهی این

ادامه در صفحات ۲ و ۳

نویسنده مقاله: ”سیاه سیاه، سفید سفید، یا خاکستری؟ خدمت یا خیانت؟ نگاهی به تاریخچه و عملکرد حزب توده ایران“، در پایگاه اینترنتی ”خبرنامه گویا“، در مقدمه مقاله خود می‌نویسد: ”این روزها بازار انتقاد و حمله به حزب توده ایران در نشریات اپوزیسیون و از جمله در وب سایت بی بی سی فارسی داغ است. ...“ سؤالی که نویسنده این مقاله قاعدتاً باید از خوانندگان خود می‌کرد این بود که چرا چنین کارزار گسترده‌ای به ناگهان درباره ”حزب“ی آغاز شده است که به ادعای بسیاری از نویسندگان این مطالب و سازمان دهندگان این کارزار تبلیغاتی ”نه تأثیری“ دارد و



شماره ۸۸۷، ۱۰ بهمن ماه ۱۳۹۰
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

دور تازه پیگرد، سرکوب، و شدت گرفتن فضای امنیتی آماده شده ارتجاع برای برگزاری ”انتخابات“ فرمایشی

بحران سیاسی رژیم ورشکسته ”ولایت فقیه“ به رغم همه تلاش‌ها و کارزار تبلیغاتی سران ارتجاع برای ”عادی“ نشان دادن اوضاع کشور هر روز ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد. رسوایی سیاست ماجراجویانه و تحریک آمیز رژیم در عرصه بین‌المللی، از جمله تهدید در زمینه بستن ”تنگه هرمز“، و عدم استقبال گسترده و بی سابقه نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور از برگزاری نمایش ”انتخابات“ فرمایشی چالش‌های جدیدی را برای سران ارتجاع پدید آورده است.

بالاخره پس از هفته‌ها کارزار تبلیغاتی برای ایجاد تفرقه و این توهم که شمار زیادی از ”اصلاح طلبان“ در انتخابات شرکت خواهند کرد، لاریجانی، رئیس مجلس فرمایشی شورای اسلامی گفت: ”نمی‌دانم چرا اصلاح طلبان در انتخابات نام نویسی نکردند...“ به نظر می‌رسد که با گسترش بحران و تشدید اختلاف‌ها حتی در درون گروه‌های ”اصول گرا“ و نگرانی‌ها درباره ”رهبری“ رژیم و سیاست‌های نابخردانه اعمال شده اقتصادی-اجتماعی، از جمله عواقب سیاست ”هدفمند کردن یارانه‌ها“ برای اکثریت مردم و سقوط بی سابقه ارزش پولی کشور در مقابل دلار، سران ارتجاع هراسناک از اوج گیری مجدد اعتراض‌های گسترده توده‌ای در جریان برگزاری ”انتخابات“ فرمایشی تدابیر امنیتی گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند و ما دور جدیدی به

ادامه در صفحه ۷

تأملی بر وظیفه‌های پیگیر جنبش کارگری، در مقطع زمانی حساس کنونی

بنیادین کار با این هدف صورت گرفته و می‌گیرد. رویدادها در زمینه مسئله‌های کارگری کشور، در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، گویای ژرفش بحران در این عرصه و وخیم تر شدن وضعیت گذران زندگی و امنیت شغلی زحمت‌کشان در سراسر کشور است. پیش نویس ”اصلاحیه قانون کار“ که از سوی دولت ضد ملی احمدی نژاد و در بطن برنامه ”آزاد سازی اقتصادی“ تدوین و تهیه شده است، بررغم مخالفت گسترده و جدی زحمت‌کشان، برای تصویب به مجلس ارسال می‌شود. اینلا، ۲۱ دی ماه، گزارش داده بود: ”لایحه پیش نویس اصلاح قانون کار بدون ارایه نظرات کارگران و کارفرمایان تا پایان سال جاری در مجلس مورد بررسی قرار می‌گیرد ... نمایندگان کارگری و کارفرمایی در رابطه با پیش نویس فعلی اصلاح قانون کار تا پایان سال جاری به اجماع نخواهند رسید. با توجه به این که طبق سیاست‌های برنامه پنجم توسعه، قانون کار باید در سال اول برنامه مورد بازنگری قرار گیرد، از این رو

ادامه در صفحه ۶

با اجرای سیاست‌های اقتصادی رژیم ولایت فقیه، به ویژه برنامه ”آزاد سازی اقتصادی“، طبقه کارگر و دیگر زحمت‌کشان میهن ما با دشواری‌های به مراتب جدی‌تر از گذشته در زندگی و کار خود مواجه گردیده‌اند. پیش نویس ”اصلاحیه قانون کار“ که در چارچوب ”آزادسازی اقتصادی“ تنظیم شده است، بسیاری از حقوق شناخته شده کارگران و زحمت‌کشان را نقض می‌کند و امنیت شغلی و حقوق سندیکایی آنان را نادیده می‌گیرد و پایمال می‌سازد. به جرات می‌توان تأکید کرد که، طی حداقل نیم سده اخیر، زحمت‌کشان ایران با چنین یورش گسترده، هدفمند، و خشن روبه‌رو نبوده‌اند. ارتجاع حاکم می‌کوشد از دشواری‌های عینی و ذهنی جنبش کارگری در مرحله کنونی سوء استفاده کند و میل و اراده کلان سرمایه داران را به آنان تحمیل کند و جنبش کارگری کشور را در شرایط کنونی در موضع ضعف قراردهد. برنامه و سیاست‌های مختلف جمهوری اسلامی در خصوص حقوق

مبارزه حزب توده ایران و ترقی خواهان جهان برای صلح و بر ضد ماجراجویی نظامی در خلیج فارس در صفحات ۸ و ۹

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ”ولایت فقیه!“

ادامه "بی بی سی": شکل ...

کارزار با همکاری و به دست شماری از وازدگان از صفوف حزب مخالفان حرفه‌ای، و نهادهای "خبرپراکنی" بی که کارنامه بدون ابهامی در ضدیدت با منافع ملی میهن مان و رسالتی تاریخی و معین در همکاری با ارتجاع داشته و دارند می‌تواند اتفاقی باشد؟

پاسخ ما به این سؤال‌ها روشن است. حمله به حزب توده ایران پدیده تازه و تعجب برانگیزی برای ما نیست. در طول هفتاد سال گذشته حزب ما در خط اول یورش‌های سهمناک دستگاه‌های تبلیغاتی ارتجاع و امپریالیسم بوده است و این روند تا ادامه حیات حزب توده ایران و تأثیر گذاری آن بر روند رویدادهای میهن ما ادامه خواهد یافت. یورش گسترده تبلیغاتی دستگاه‌های امنیتی رژیم جمهوری اسلامی، پس از حمله به حزب توده ایران در بهمن ماه ۱۳۶۱ و اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، از نمایش‌های مسموم کننده تلویزیونی قربانیان شکنجه تا انتشار ده‌ها کتاب، نشریه، خاطرات، و مصاحبه، تنها و تنها هدفش نابودی اعتبار معنوی و سیاسی حزبی بود که ریشه‌های عمیق اجتماعی‌اش، و نظرات و برنامه‌های پیشرو و مردمی‌اش، در درازای هفتاد سال بزرگ‌ترین چالش‌ها را بر سر راه منافع ارتجاع و امپریالیسم در میهن ما پدید آورد. با وجود دستگیری هزاران توده‌ای و کشتار صدها تن از اعضای و هواداران حزب ما در زندان، از جمله ۳۹ تن از اعضای کمیته مرکزی، هیئت سیاسی، و دبیران حزب ما، ارتجاع و امپریالیسم خیلی زود دریافتند که دستگاه‌های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون "ساواک" سلف شاهنشاهی‌اش، نتوانسته است رسالت نابودی حزب توده را به سرانجام مناسب‌اش برسانند، و از این روی باید کارزار قطع ناشدنی دروغ پراکنی به منظور بی اعتبار کردن حزب، تلاش برای انفجار آن از درون، و محاصره تبلیغاتی آن همچنان ادامه یابد!

نگاهی به اسناد دولت‌های بریتانیا، آمریکا، و سازمان دهندگان دهه‌ها مداخله مستقیم و غیر مستقیم در امور کشورمان، نیز گواه روشنی ست بر این ادعا. نقش بنگاه "خبر پراکنی" بریتانیا - "بی بی سی" - در کارزار توده‌ای ستیزی، و نقش تاریخی و مداخله‌جویانه آن در رویدادهای تاریخی میهن‌مان، نه اتفاقی است و نه از سر دل سوزی برای تاریخ ایران و حزب‌های مردمی‌اش.

مدت‌ها پیش، به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد، شبکه ۴ رادیو بی بی سی، دوشنبه شب ۳۱ مرداد ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)، گزارش مستندی در باره عملکرد سرویس جهانی رادیو بی بی سی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران پخش کرد، که بسیار گویا و جالب بود. در این برنامه، با استناد به سندهای تازه منتشر شده سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، "سیا"، گفته شد که مدیران بخش جهانی بی بی سی از سیاست خصمانه دولت وقت بریتانیا نسبت به برنامه ملی کردن صنعت نفت ایران از سوی دکتر محمد مصدق حمایت می‌کردند. بر اساس همین گزارش، در یکی از برنامه‌های این سرویس به زبان انگلیسی، پیام رمزی برای شاه ایران ارسال شد که حاکی از حمایت بریتانیا از کودتایی برضد دولت دکتر مصدق بود. دولت بریتانیا از اظهار نظر و یا انتشار سندهای محرمانه آن سال‌ها درباره کودتای ۲۸ مرداد همچنان خودداری می‌کند. ولی رئیس کنونی سرویس جهانی بی بی سی، در جریان پخش این برنامه، گفت که، اگر در ۶۰ سال پیش چنین سیاست‌هایی دنبال می‌شد اکنون چنین اعمالی غیر قابل تصور است. تذکر این نکته نیز ضروری است که بر اساس سندهای تاریخی موجود، این رادیو "بی بی سی" بود که با پخش پیام رمز: "اکنون دقیقاً نیمه شب است"، فرمان آغاز کودتای ۲۸ مرداد را صادر کرد.

البته نقش "بی بی سی" در ۲۵ سال دفاع پیگیر از رژیم استبدادی و وابسته شاه، و تبلیغ مداوم بر ضد حرکت‌های آزادی‌خواهانه مردم میهن‌مان، و همچنین نقش برجسته آن در کارزار ضد کمونیستی کشورهای امپریالیستی در تمامی سال‌های "جنگ سرد"، حمایت آن از کارزار "مجاهدین افغانی" (طالبان) در افغانستان بر ضد نیروهای

مترقی، دروغ پراکنی و نقش مخرب آن به منظور پرده پوشی درباره جنایت‌های امپریالیسم در جنگ آمریکا بر ضد مردم ویتنام در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ میلادی، کارزار تبلیغاتی بر ضد رهبران جنبش کارگری بریتانیا در دوران اعتصاب‌های گسترده کارگران معدن زغال سنگ بریتانیا، در دوران حکومت مارگارت تاچر، حمایت این موسسه از یورش امپریالیستی و تجاوزگرانه دولت تاچر به جزایر مالویناس آرژانتین در دهه هشتاد میلادی، کارزار "بی بی سی" بر ضد انقلاب بهمن ۵۷ در سال‌های نخست پس از پیروزی انقلاب در عمده کردن "خطر کمونیسم" و تبلیغات گسترده بر ضد حزب توده ایران، و بالاخره، نقش آن، در سال‌های اخیر، در دروغ پراکنی و تبلیغ در جهت بسیج افکار عمومی بریتانیا و جهان به حمایت از تجاوز وحشیانه نظامی امپریالیسم بر ضد عراق، نادرست بودن مدعیات رئیس کنونی سرویس جهانی "بی بی سی" را آشکار می‌کند.

"جرمی پکسن" مصاحبه گر مشهور انگلیسی و ارائه دهنده برنامه تلویزیونی "اخبار شب در کانال بی بی سی ۲"، سال‌ها پس از یورش حکومت "بوش" و "بلر" به عراق، در مصاحبه‌ی با دانشگاه "کاونتری" با عنوان: "آیا ژورنالیسم در بحران است؟"، ضمن اشاره به نقش دستگاه‌های خبری در همراهی با جنگ امپریالیسم بر ضد عراق، در مورد برنامه‌ی که خود او مسئول ارائه آن بود، از جمله گفت: "واقعیت این است که ما زیر تأثیر دستگاه تبلیغاتی دولت آمریکا چشم‌بند به چشم به استقبال جنگ رفتیم" (همچنین نگاه کنید به: مقاله "جرمی پکسن"، در روزنامه گاردین، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۰).

برای همه کسانی که در سال‌های اخیر چگونگی عملکرد بنگاه‌های خبری بزرگ جهان از جمله "بی بی سی" و بنگاه‌های مشابه آن در آمریکا همچون "سی ان ان" و "فاکس نیوز" را در قبال سیاست‌های نظامی گرایانه امپریالیسم جهانی دنبال کرده‌اند، روشن است که بخش وسیعی از امکان تبلیغاتی و خبر رسانی این بنگاه‌ها در راستای تأیید دروغ‌های دولت "جورج بوش" و "تونی بلر"، حمله به مخالفان جنگ، و تلاش برای همراه کردن افکار عمومی جهان با جنگی نفرت انگیز بود که به بهای خون صدها هزار تن از مردم بی‌گناه عراق تمام شد.

اگرچه بر اساس چارچوب‌های قانونی "بی بی سی" می‌باید دستگاه مستقل خبر پراکنی بی باشد که بر پایه "فرمانی سلطنتی" کار خود را اداره و تنظیم می‌کند، ولی در سال‌های اخیر سندهای بی شماری درباره نقش و تأثیر دستگاه‌های دولتی، و خصوصاً سازمان‌های امنیتی بریتانیا، در اداره امور این بنگاه وسیع خبر پراکنی، با بیش از ۲۳ هزار کارمند و ۴/۵ میلیارد پوند بودجه، منتشر شده است. در برنامه‌ی که کانال چهارم تلویزیونی بریتانیا با عنوان: "تاریخ جاسوسی" (The History of Surveillance، ۱۲ اوت ۲۰۰۱، پخش کرد، به نقل از "استوارت هود"، کنترل کننده سابق بی بی سی، از جمله مطرح شد که: "روابطی بین بی بی سی و دستگاه امنیتی بر سر انتخاب و استخدام افراد وجود داشت. دستگاه "ام.آی.۵" فهرست کسانی را داشت که بی بی سی نمی‌بایست آن‌ها را استخدام کند."

همچنین بر اساس گزارش روزنامه دست راستی "دیلی تلگراف"، ۲ ژوئیه ۲۰۰۶، دستگاه ضد جاسوسی "ام.آی.۵" بریتانیا هزاران تن از متقاضیان کار در "بی بی سی" را از نظر سیاسی - امنیتی بررسی می‌کرده است. بر اساس همین گزارش، به طور مثال در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) بیش از ۵۷۲۸ متقاضیان کار در بی بی سی از سوی دستگاه امنیتی بریتانیا بررسی سیاسی - امنیتی شدند.

بخش فارسی "بی بی سی"، در سال‌های اخیر، گسترش زیادی یافته است و کار آن از پخش برنامه‌های رادیویی، به پخش برنامه‌های تلویزیونی و پایگاه اینترنتی بسط یافته است. برنامه پردازان و تنظیم کنندگان "بی بی سی" همواره مدعی‌اند که "بی بی سی" تلاشش ارائه برنامه‌های "مستقل" و اجازه دادن به "موافق و مخالف" برای پخش نظرات‌شان است. اخیراً نیز به مناسبت فرا رسیدن هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، "بی بی سی" فارسی مجموعه‌ی از مقاله‌ها و برنامه تلویزیونی را تهیه و منتشر کرده است که گواه روشنی دال بر شکل، محتوا، و رسالت تاریخی این بنگاه خبر پراکنی است.

ما در بخشی که در پایگاه اینترنتی "بی بی سی" به هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران اختصاص داده شده است این مطالب را می‌بینیم:

۱. "سختی قضاوت درباره حزب توده ایران"، نوشته محمد رضا نیکفر - محتوای مطلب: ضد توده‌ای؛
۲. "نبرد روحانیت و حزب بر سر توده مردم"، نوشته مهدی خلجی - محتوای مطلب: ضد توده‌ای؛



است. اگرچه در کارنامه هر بنگاه خبر پراکنی بی (البته تا آنجایی که منافع دیدگاه غالب را تهدید نکند) ممکن است بتوان برنامه‌هایی را یافت که محتوای عینی و جالبی داشته باشند، ولی آنچه تاریخ عملکرد این بنگاه‌ها به ما می‌آموزد این است که خط سیر اساسی حرکت این ماشین عظیم تبلیغاتی، که کشورهای امپریالیستی برای حفظ و بسط آن میلیاردها پوند سرمایه گذاشته‌اند، نمی‌تواند در حساس‌ترین مقاطع جهتی جز راستای سیاست‌های این کشورها داشته باشد.

نکته دیگری که در انتها اشاره به آن ضروری است، پاسخ به این سؤال است که: چرا ماشین تبلیغاتی عظیم ارتجاع و امپریالیسم، در داخل و خارج از کشور، کارزار گسترده ضد توده‌های تازه‌ای را سازمان دهی کرده‌اند که هم تاریخ و هم سیاست‌ها و هم راه کارهای پیشنهادی حزب توده ایران را هدف گرفته است؟ پاسخ این سؤال در این واقعیت نهفته است که، ادامه حیات توان‌مند حزب توده ایران، و نفوذ گسترش‌یافته ارزیابی‌های سیاسی - نظری آن در جنبش مردمی مردم میهن ما، و اعتبار روز افزون جهانی آن در مقام یک حزب دارای شناسنامه معتبر، ماندگار، تاریخی و تاثیرگذار، نگرانی‌های جدی‌بی را برای ارتجاع و امپریالیسم برانگیخته است. اعلامیه کمیته مرکزی حزب به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس حزب در این زمینه می‌نویسد: "شکست ارتجاع در نابودی حزب توده ایران به مفهوم پایان توطئه‌ها و ترفند های رژیم نیست. رژیم استبدادی حاکم همچنان حزب توده ایران را دشمن اصلی برنامه‌های ضد ملی و ضد مردمی خود می‌داند و همچنان همه تلاش‌ها و امکانات خود را به منظور ضربه زدن به صفوف حزب ما به کار می‌برد. کشتار صدها تن از کادرهای برجسته، رهبران، شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی حزب ما در جریان فاجعه ملی، که در جریان آن هزاران زندانی سیاسی جان باختند، در کنار توطئه حزب سازی و تلاش به قصد پراکنده کردن اعضا و هواداران و شکافته شدن صفوف حزب، بخشی از تلاش حاکمیت به منظور "کندن ریشه‌های" حزب از جامعه بوده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. از سازمان دهی "شوای تلویزیونی" قربانیان شکنجه برای بی اعتبار کردن تاریخ و مبارزات حزب توده ایران، تا خاطره نویسی‌های با نظارت شکنجه‌گران، برپایی دستگاه‌های عریض و طویل تبلیغاتی برای حمله به برنامه سیاسی - مبارزاتی حزب ما، و "رهبر" سازی دستگاه‌های امنیتی، هیچ کدام از این توطئه‌ها، با وجود همه دشواری‌هایی که بر سر راه فعالیت حزب ما پدید آورده است، اما نتوانسته‌اند پیکار حزب توده ایران در راه دست یافتن به آرمان‌های والای طبقه کارگر ایران را متوقف کند. انتشار منظم و وقفه ناپذیر "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، برگزاری کنگره های سوم، چهارم، و پنجم حزب، در دشوارترین شرایط، و نفوذ گسترده و فزاینده اندیشه‌ها و برنامه‌های مبارزاتی حزب ما در بین نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور، نشان‌گر ادامه حیات پر ثمر حزب توده‌ها و شکست برنامه‌های ارتجاع و امپریالیسم است" (به نقل از: "نامه مردم"، شماره ۸۷۸، ۴ مهر ماه ۱۳۹۰).

زمینه‌های اصلی کارزار تبلیغاتی گسترده اخیر بر ضد حزب توده ایران را نیز باید در همین راستا دید.

ادامه "بی بی سی": شکل، ...

۳. "زندگی پشت دیوارهای آهنین"، نوشته شیوا فرهمند راد - محتوای مطلب: ضد توده‌ای؛
۴. "اپریم اسحق، از حزب استعفا داد و از ایران رفت"، نوشته محمد علی کاتوزیان، نوشته‌ی درباره یکی از انشعاب کنندگان از حزب توده ایران؛
۵. "سه جریان و دو سیاست در یک حزب"، نوشته علی امینی نجفی - محتوای مطلب: ضد توده‌ای؛
۶. "حزب توده و مسئله خیانت"، نوشته حشمت حکمت - محتوای مطلب: ضد توده‌ای؛
۷. "احسان طبری، متفکری خلاق یا نظریه پرداز باورهای جزمی"، نوشته فرج سرکوهی - محتوای مطلب: ضد توده‌ای.

جالب اینجاست که، با وجود اینکه هزاران سند رسمی و مقاله‌های بسیار به قلم رهبران و پژوهشگران حزب ما درباره تاریخ و پیکار توده‌ای‌ها در هفتاد سال گذشته ارائه شده و به نگارش درآمده است، به نظر می‌رسد تنظیم کنندگان این صفحه‌ها حتی یک مطلب رسمی حزب توده ایران را که لااقل در مقابل هفت نظر مخالف برداشت دیگری را ارائه دهد نتوانسته‌اند بیابند و در بین مقاله‌های این صفحه ویژه که به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران دایر گردیده است بگنجانند. این هم بی شک نمونه جالب و تاریخی‌بی است از "عدالت" مطبوعاتی، "بی طرفی"، و برخورد به دور از غرض ورزی به واقعیت‌های تاریخی میهن ما.

افزون بر این، برنامه تلویزیونی "پرگار"، دوشنبه ۳ بهمن ماه، نیز بحثی را درباره حزب توده ایران سازمان دهی کرده بود که شرکت کنندگان در آن (در مقام سخنران‌های اصلی) اخراج شده‌ها از حزب توده ایران بودند. بر این اساس، روشن است که چنین برنامه‌ی چگونه می‌تواند نظری "مستقل" و بدون کینه ورزی و غرض ورزی درباره تاریخ حزب توده ایران ارائه دهد؟

اشاره به این نکته نیز ضروری است که، حزب ما، در سال‌های اخیر، در پاسخ به چند دعوت "بی بی سی" برای شرکت در برنامه‌هایی که به گفته مجریان آن "با شکل و محتوای جدید" و نه بر اساس عملکرد تاریخی "بی بی سی" تنظیم شده بود، پاسخ مثبت داد، و تجربه کسب شده از این برخوردها تأیید این واقعیت بود که در همچنان بر همان پاشنه می‌گردد و دست‌اندرکاران "بی بی سی" از تنظیم چنین برنامه‌هایی هیچ هدفی را به جز ضربه زدن به حزب توده ایران دنبال نکرده و نمی‌کنند (از جمله به برنامه تنظیم شده "بی بی سی" درباره انقلاب ایران می‌توان اشاره کرد، که با وجود مصاحبه طولانی با نماینده حزب توده ایران درباره نقش حزب در انقلاب، اکثریت قاطع وقت برنامه به اظهار نظر مخالفان حزب، از جمله بابک امیر خسروی، اختصاص داده شده بود، و از مصاحبه طولانی نماینده حزب تنها این موضوع که: سیاست حزب توده ایران پس از انقلاب دارای کاستی‌هایی بوده است، پخش گردید).

در ارزیابی شکل، محتوا، و رسالت تاریخی بنگاه سخن پراکنی "بی بی سی" برای ما این موضوع روشن شده است که به لحاظ دیدگاه، "بی بی سی" یک پایگاه خبری ضد کمونیستی است که با وجود برخی نوسان‌ها، در مجموع در راستای تأیید سیاست‌ها و عملکرد سرمایه داری جهانی حرکت می‌کند، و بنابراین روش برخورد آن با مسایل مختلف جهان در مجموع در چنین راستایی تنظیم می‌گردد. اینکه حتی یک نوشته و یا برنامه مستند در بیان واقعات دهه‌ها محاصره انقلاب مردم کوبا از سوی امپریالیسم آمریکا، و سیاست‌های مخرب این کشور در خاورمیانه در میان مطالب "بی بی سی" نمی‌توان یافت، از سر اتفاق است؟

از دید حزب توده ایران و بخش وسیعی از نیروهای مترقی جهان، این همسویی‌های نظری با سیاست‌هایی که ما مجموعاً آن‌ها را ارتجاعی و ضد مردمی ارزیابی می‌کنیم، نه تنها اتفاقی نیست، بلکه بیانگر محتوا و رسالتی است که "بی بی سی" در طول بیش از هفتاد سال دنبال کرده



در خصوص بحران ارز و سکه را به نفع تجار عمده و به ضرر صنعت گران ارزیابی کردند. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۹ دی ماه، در این باره به نقل از دبیر انجمن قطعه سازان، نوشت: "اعمال محدودیت های بین المللی علیه کشور موجب شده تا نقل و انتقال پول به مشکل بخش صنعت تبدیل شود ... هم اکنون صنعتگران با مشکل کمبود نقدینگی ربالی مواجه هستند ... براساس بخشنامه بانک مرکزی ارز نامحدود با نرخ مرجع بانک مرکزی ... در اختیار وارد کنندگان نیز قرار خواهد گرفت که با این شرایط تولید کنندگان با اجرای این بخشنامه متضرر خواهند شد، ارز نامحدود به نفع وارد کنندگان [بخون دلال ها و تاجراهای عمده و شرکت های وابسته به سپاه و بنیادهای انگلیسی] و به ضرر صنعت است."

به این ترتیب، تحریم های مداخله جویانه از سوئی، و سیاست های ضد ملی رژیم ولایت فقیه در عرصه اقتصادی از دیگر سو، همچون دو لبه تیز قیچی،

صنعتگران و تولید کنندگان را در میان گرفته اند و منافع آنان را تهدید می کنند. از این وضعیت نابسامان و ناگوار فقط و فقط لایه های انگلی طبقه سرمایه دار ایران، که تکیه گاه رژیم ولایت فقیهاند، سود و منفعت می برند!

سیستم دور کاری، منافع کارمندان کشور، و اعمال تبعیض جنسیتی

دولت احمدی نژاد در راستای اجرای دستورهای "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی"، از مدتی قبل، به منظور "کاهش هزینه ها"، برنامه‌یی را زیر نام دور کاری در ادارات، وزارتخانه ها و شرکت های مختلف دولتی و خصوصی تدوین کرده و به مورد اجرا گذاشته است. مطابق این طرح، عده‌یی از کارمندان، البته به طور عمده کارمندان زن، زیر پوشش دور کاری، دیگر در محل کار خود حاضر نمی شوند و از خانه و یا محل زندگی شان وظیفه اداری و سازمانی خود را انجام خواهند داد. این طرح که در مرحله اول آن تعداد زیادی کارمند از کار اخراج و تعدادی هم با کاهش سطح دستمزد روبه رو شدند، مشکل هایی جدی در برخی وزارتخانه ها پدید آورد، و اکنون قرار است فاز دوم آن پیاده شود. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۲ دی ماه، در گزارشی با عنوان: "فاز جدید دور کاری کلید خورد، اصرار دولت، نگرانی کارمندان" از جمله می نویسد: "فاز جدید دور کاری کارمندان آغاز شد و این بار این زنان هستند که قرار است برای سبک سازی دولت اداره ها و مراکز دولتی را ترک کنند. عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر کار و رفاه اجتماعی در حالی از اجرای فاز جدید دور کاری خبر داد که به نظر می رسد تاکید مسئولان بیشتر بر اجرای این طرح با اولویت زنان شاغل است. آن طور که متولیان اجرای طرح می گویند دور کاری زنان باهدف استحکام بنیان خانواده و حضور بیشتر زنان در خانه انجام می شود، اما این درحالی است که بسیاری، از مداخله دیدگاه های جنسیتی در این طرح انتقاد دارند و حتی نگران کاهش حضور زنان در جامعه اند ... کارمندی که دور کاری می شوند اغلب حضور چندین مؤثری در محل کار ندارند و این نگرانی بجاست که دور کاری مقدمه خروج کارمندان (زن و مرد) از چرخه کار است."

مطابق آمار "معاونت توسعه و مدیریت منابع انسانی استانداری تهران"، تاکنون ۳ هزار کارمند و ادار به دور کاری شده‌اند و بسیاری از آنان با کاهش سطح دستمزد مواجه شده اند. همچنین هزار کارمند دیگر در لیست دور کاری قرار دارند و حدود ۶۸ اداره، نهاد، و دستگاه اجرایی استان تهران مشمول طرح دور کاری‌اند که از این تعداد ۳۶ اداره تاکنون در خصوص اجرای این طرح و وادار ساختن کارمندان به اجبار، برای دور کاری اقدام کرده اند.

سیستم دور کاری‌یی که دولت ضد ملی احمدی نژاد با حرارت بسیار درصدد اجرای ضربتی آن در کشور و در مرحله نخست در استان تهران انجام می‌شود، یکی از جنبه های شناخته شده طرح های نولیبرالی "بانک جهانی" است. این طرح از آن روی برای رژیم ولایت فقیه از اهمیت برخوردار است که نخست به کاهش سطح دستمزد کارمندان شاغل منجر می شود، و دوم اینکه کارمندان و به طور کلی نیروی کار را از اداره‌ها و نهادهای دور می سازد و به این ترتیب ارتجاع، به زعم خود، مانع شکل گیری اعتراض‌ها در محیط های کارمندی می شود، و سوم اینکه فرصت مناسبی برای به کارگیری سیاست تبعیض جنسیتی برضد زنان شاغل به دست می‌آید. طرح دور کاری همزمان با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها در ۱۳۸۹ یعنی پارسال با مصوبه هیات وزیران اجرایی شد.

در خصوص مخالفت کارمندان به طور کلی، و زنان کارمند به طور خاص، با این طرح، روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۲ دی ماه، گزارش داد: "دولت در اجرای طرح دور کاری کارمندان نوعی نگاه جنسیتی را دنبال می کند ... زنان نیز به عنوان سرمایه های اجتماعی باید در جامعه حضور داشته



تحریم های مداخله جویانه، سیاست های اقتصادی رژیم ولایت فقیه، و منافع تولید کنندگان و سازندگان

با گسترش تحریم ها برضد ایران، بخش های مختلف صنعت کشور با چالش های جدی‌یی روبه‌رو شده اند. تولید کنندگان و سازندگان قطعه ها و تجهیزات صنعتی، به ویژه در صنایع نفت، خودرو سازی، ماشین سازی، و لوازم خانگی، بیشترین آسیب ها و خسارات را متحمل شده و می شوند. چندی پیش سازندگان تجهیزات صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی، در اعتراض به پیامدهای حذف یارانه ها و افزایش قیمت حامل های انرژی و نیز سقوط ارزش پول ملی، ضمن مخالفت با ادامه اجرای برنامه "آزادسازی اقتصادی" اعلام داشتند که، دیگر توان ساخت تجهیزات و قطعه‌های صنعتی را ندارند! پایگاه اینترنتی امروز، ۲۰ دی ماه، به نقل از اینلنا، گزارش داد: "عضو انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت گفت، با واردات گسترده تجهیزات نفت استفاده از تولیدات داخلی کم رنگ تر شده است ... وابستگی ما به تجهیزات خارجی صنعت نفت به قوت خود باقی مانده و کماکان عدد بالایی را به خود اختصاص داده است، چرا که در بخش اکتشاف، استخراج و پالایش بخش عمده ای از تجهیزات مورد استفاده از کشورهای دیگر وارد می شود." در ادامه گزارش خاطر نشان می شود: "تجهیزات حفاری، ساخت توربین و کمپرسور از مواردی است که صنعت نفت وابسته به تولیدات خارج کشور است ... کشورهایی که تجهیزات نفت ایران وابسته به تولیدات آن هاست چین و ژاپن، برخی کشورهای اروپایی مثل آلمان، اسپانیا، ایتالیا و فرانسه هستند که برخی به صورت مستقیم در قراردادهایی که با ایران دارند و برخی دیگر از طریق امارات (دوبی) این تجهیزات صنعت نفت را به کشور وارد می کنند ... نکته مهم این است که سازندگان (ایرانی) توان مالی ساخت برخی تجهیزات را ندارند ... سازندگان تجهیزات نفتی دیگر توان ساخت تجهیزات را ندارند."

تولید کنندگان، از جمله سازندگان تجهیزات و قطعه‌های صنعتی، نخستین قربانیان برنامه "آزاد سازی اقتصادی" و نیز به کارگیری تحریم های ویرانگر خارجی‌اند. به علاوه، "خصوصی سازی" در صنعت ملی نفت ایران توان، امکان‌ها و انگیزه تولید کنندگان داخلی را از میان برده و نابود می سازد. ماجرای افزایش سرسام آور قیمت ارز و سکه در بازار و رانت خواری عدیبه دلال وابسته به حکومت از این اشفته بازار، در ماه های اخیر، تنگناهای جدی دیگری را برای تولید کنندگان و صنعت گران کشور پدید آورده است. بی جهت نبود که اغلب تولید کنندگان داخلی، سیاست اخیر بانک مرکزی

۱۴ بهمن ماه سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی و روز شهدای حزب توده ایران



۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۰ مصادف است با هفتاد و دومین سالگرد دکتر تقی ارانی است. هفتاد و دو سال پیش، گزرمگان حکومت دیکتاتوری رضا شاه، اندیشمند فرزانه، کمونیست مبارز و معلم انقلابی میهن ما را در سیاه چال های استبداد به قتل رساندند تا صدای رسا و اوج گیرنده جنبش کارگری و کمونیستی ایران را خاموش سازند. ولی مبارزه ارانی با قتل او خاتمه نیافت و اندیشه های دوران ساز او برای بنا کردن ایرانی آباد، آزاد و رها از بندهای استعمار، استثمار و

استبداد، آنچنان نیروی عظیمی را در جامعه ما بسیج کرد و به حرکت درآورد که تا به امروز همچنان به راه پر فراز و نشیب خود ادامه می دهد. پرچم رزم ارانی، نو آوری های او در بردن آگاهی به درون جامعه عقب مانده ایران آن دوران و انتشار آثار علمی، از جمله بنیاد گذاری مجله "دنیا" آموزش دهنده نسل های پی در پی ای از انقلابیون برجسته همچون روزبه ها، سیامک ها، مبشری ها، وارطان ها، کیوان ها، حکمت جوها، تیزابی ها، افضلی ها، هاتفسی ها و کی منش ها بود که تاریخ واقعی مبارزات مردم، کارگران و زحمتکشان میهن ما را با فداکاری های خود نگاشتند.

زنده یاد رفیق احسان طبری در ستایش دکتر ارانی، خدمات ارزنده او و پیکاری دوران سازی که ارانی نماینده آن بود از جمله می نویسد:

"سالیان دراز از شهادت ارانی می گذرد ولی زمانه کمکاکان بر آن محور می چرخد که جان بی تاب و جوینده اش می چرخید... نبرد طبقاتی، رشد نیرومند نیروهای مولده، در این عصر انقلاب علمی و فنی، و تحول شگرف فکری انسان بیش از پیش تحقق آرمان های ارانی را به دستور روز بدل می کند. ارانی سوار بر سمند اندیشه انقلابی و علمی کمکاکان به سوی پیروزی می تازد و پرچم سرخش در یادهای توفنده عصر ما در اهتزاز است..."

۱۴ بهمن ماه همچنین روز شهدای حزب توده ایران و روز تجدید عهد با آرمان های والای جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما و تجدید عهد با خاطره کاروان عظیم ده ها هزار شهید توده ای است که جان خود را برای بهروزی توده های ستم دیده کار و زحمت فدا کردند. به قول بالزاک: "از تمام بذرهایی که بر زمین افشاند می شود خون قربانیان ستم است که غنی ترین محصول را به بار می آورد."

"با ارانی بوده ایم، با ارانی هستیم و خواهیم بود" نزدیک به هفت دهه پس از شهادت دکتر تقی ارانی فرزاندن و ادامه دهندگان راه او، اعضاء و هواداران حزب توده ایران، به رغم همه پیگردها و سرکوب های خونین و پی در پی رژیم های استبدادی حاکم بر میهن ما همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند و تا تحقق آرمان ها والای انسانی که ارانی به خاطر پایبندی به آنها جان باخت، از پای نخواهند نشست.

درد آتشین به خاطره تابناک همه شهدای توده ای و همه رزمندگان راه آزادی و عدالت اجتماعی!

ادامه رویدادهای ایران ...

باشند و وظایف اجتماعی خود را نیز انجام دهند ... دورکاری که تاکنون اجرا شده است، چندان موفق نبوده، نبود زیر ساخت های لازم این طرح از جمله اینترنت مهیا نیست و در این شرایط امکان حضور موثر کارمندان چندان فراهم نیست ... مشکلات زیر ساختی کشور و مشکلات ارتباطات مجازی دور کاری کارمندان را غیر ممکن می کند. "اجرای سیستم دورکاری به شکلی که در جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته است تاکنون سبب اخراج و کاهش سطح دستمزد بسیاری از کارمندان اداره های مختلف دولتی گردیده است. کارمندان بحق خواستار توقف این طرح و تامین منافع خوداند!

به "خصوصی سازی" مرکزهای نگهداری از معلولان، پایان دهید!

برنامه "آزاد سازی اقتصادی" و "خصوصی سازی" لگام گسیخته همه عرصه های اجتماعی را به چالش طلبیده است و هیچ طبقه، گروه، و قشری از جامعه نیست که از آسیب های دهشتناک این برنامه در امان مانده باشد. سیاست "خصوصی سازی" مرکزها و کانون های نگهداری از معلولان تاکنون نتیجه های فاجعه باری به همراه داشته و سبب افزایش مرگ معلولان در ردهای سنی مختلف شده است. یکی از آخرین نمونه ها، آتش سوزی مرکز نگهداری از معلولان در شهر بوشهر است که به مرگ ۵ کودک معلول و بی پناه انجامید. ایلنا، ۲۱ دی ماه، گزارش داد: "مدیر انجمن حمایت از حقوق معلولان، از واگذاری مراکز نگهداری معلولان به بخش خصوصی انتقاد کرد. علی همت محمود نژاد در واکنش به آتش سوزی مرکز نگهداری معلولان بوشهر و مرگ پنج کودک گفت، کارفرمایان با گرفتن این مراکز به دنبال کسب سود هستند ... نباید معلولان محل سود آوری گروهی یا فردی باشند ... سازمان بهزیستی باید واگذاری این مراکز [خصوصی سازی] را لغو کند." اکنون در چارچوب راهبرد اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی، بسیاری از کانون ها و مراکزهای نگهداری از معلولان در سراسر کشور به بخش خصوصی واگذار شده اند و وضعیت زندگی ساکنان این مراکزها نسبت به قبل، بیش از پیش رو به وخامت گذاشته است. در عین حال، سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای بر مرکزهای خصوصی نگهداری از معلولان به ویژه کودکان معلول هیچ گونه نظارتی ندارند.

گزارش ها نشان می دهند که، با خصوصی سازی این مراکزها، وضعیت ساکنان شان در تمامی زمینه ها از جمله رسیدگی پزشکی، دارو، بهداشت، تغذیه، امور مددکاری، و بازآوری به شدت خراب شده است و آمار مرگ معلولان افزایش یافته است. در همین زمینه باید متذکر شد که، سازمان بهزیستی اعتراف می کند که آمار حادثه هایی نظیر آتش سوزی، خفگی به دلایل مختلف، برق گرفتگی، و از این قبیل، در مراکزهای خصوصی نگهداری از معلولان در مقایسه با سال های گذشته به طورنگرانی آوری افزایش یافته اند.

حادثه آتش سوزی مرکز نگهداری از معلولان دربندر بوشهر و مرگ ۵ کودک فقط یکی از ده ها حادثه جانگزار طی ماه های اخیر است. واکنش وزارت کار، رفاه اجتماعی به این حادثه ها نشان می دهد که به طور اصولی معلولان، زندگی، و سرنوشت آنان برای مسئولان حاکمیت بی ارزش است. ایلنا، ۲۱ دی ماه، نوشت: "رییس انجمن حمایت از معلولان با تاکید برپیگیری مقصران حادثه بندر بوشهر گفت، ما خواهان واکنش وزیر رفاه به این اتفاق بودیم ولی متأسفانه ایشان نسبت به این موضوع واکنش نشان ندادند."

واگذاری مراکزهای نگهداری از معلولان به "بخش خصوصی"، برنامه یی ضد انسانی و در نقطه مقابل حقوق شناخته شده معلولان کشور است.

خواستار لغو برنامه "خصوصی سازی" مراکزهای نگهداری از معلولان مورد پشتیبانی همه نیروهای ترقی خواه کشور بوده و هست. به برنامه "خصوصی سازی" مراکزهای نگهداری از معلولان پایان دهید!

ادامه ناملی بر وظیفه پیگیر ...

وزیر پیش نویس تدوینی وزارت کار را تا پایان اسفند ماه سال جاری به مجلس ارایه می دهد. این خبرها زمانی انتشار می یابد که با نزدیک شدن به پایان سال جاری خورشیدی موضوع حساس و حیاتی تعیین حداقل دستمزدها و مسئله‌هایی چون عیدی و پاداش کارگران مطرح می گردد و از این جهت فضای محیط های کارگری ملتهب است. در چارچوب برنامه "آزاد سازی اقتصادی" - مطابق دستورهای "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی" - و ماده‌ها و تبصره های قانون هدفمند سازی یارانه ها، دستمزدهای سالیانه بر پایه نرخ واقعی تورم محاسبه و افزایش نخواهند یافت. از این روی، ارتجاع حاکم، با کمک نهادها و تشکل های زرد و ارتجاعی وابسته به خود، از هم اکنون می کوشد چنان فضایی را پدید آورد تا زحمت کشان را به پذیرش عدم افزایش دستمزدها و کاهش عیدی و پاداش سالیانه وادار کند. خبرگزاری ایرنا، ۱۹ دی ماه، گزارش داد: "سمینار قانون کار و قوانین جدید عیدی و پاداش کارگران روز ۲۵ بهمن ماه در هتل صحرای تهران از سوی جمعی از کارشناسان حوزه کار، برگزار می شود ... با توجه به اینکه قانون کار هم اکنون یکی از موضوع های مهم درحوزه کار است و همچنین نزدیک شدن به ایام نوروز که موضوع دستمزد و عیدی کارگران ... مورد بحث و بررسی است، سمینار یاد شده می تواند مورد توجه فعالان این حوزه قرار گیرد." همچنین ایلنا، ۲۵ دی ماه، خبر از تشکیل جلسه ویژه "شوراهای اسلامی کار استان تهران" داده است و از قول دبیر کانون شورای اسلامی، نوشت: "در این همایش ... در مورد موضوعاتی از قبیل اصلاح قانون کار، تعیین مصوبه مزدی کارگران و اصلاح قانون تامین اجتماعی به بحث و تبادل نظر خواهیم پرداخت."

همه این اقدام ها با برنامه ریزی قبلی و با محاسبه دقیق و هدفمند صورت می گیرد. امسال موضوع دستمزدها و چگونگی تعیین آن، با برگزاری انتخابات مجلس آینده همزمان است. یعنی همزمان با برگزاری نخستین انتخابات در جمهوری اسلامی پس از خیزش مردمی در برابر کودتای انتخاباتی سال ۱۳۸۸، و از این روی، ارتجاع حاکم تمام تلاش خود را برای فریب کاری و مهار جنبش اعتراضی کارگران و زحمت کشان، در مقیاسی بی سابقه، به کار گرفته است. هدف واپس گرایان حاکم، جلوگیری از گسترش اعتراض های کارگری و ارتقاء سطح آن، و نیز جلوگیری از پیوند این اعتراض ها با تحول های سیاسی پر اهمیت هفته های آینده است.

در این خصوص رژیم ولایت فقیه از یک سیاست چند وجهی به ضد جنبش کارگری استفاده می کند: نخست شدت بخشیدن به جو ارباب و سرکوب و پیگرد، و بازداشت فعالان سندیکایی، و به کارگیری فشار کنترل شده بر بخش های معین جنبش کارگری، به ویژه سندیکاهای مستقل موجود. مزدوران تاریک اندیشی تلاش دارند تا با شدید کردن سرکوب، از گستردگی و ژرفای تاثیر گذاری فعالان سندیکایی و سندیکاهای مستقل بر مجموعه جنبش اعتراضی بکاهدند و تا آنجا که می توانند مانع از این تاثیر گذاری شوند. دستگیری های اخیر، و به بند کشیدن مبارزان جنبش سندیکایی، و افزودن بر فشارهای روحی و جسمی کارگران گرفتار در بند، در این راستا صورت می گیرد. دومین نکته عبارتست از: به انحراف کشاندن و بی عمل ساختن جنبش اعتراضی موجود - که در ماه های

اخیر دامنه وسیع تر از قبل یافته است، اما کماکان در موضع دفاعی قرار داشته است و از سطح همبستگی و سازمان دهی مناسب برخوردار نبوده است. دادن وعده های پوچ، برانگیختن طمع در برخی از معترضان فعال و یا تهدید برخی دیگر، در شکل های مختلف و با شدت در محیط های کارگری، کارخانه ها، و واحدهای تولیدی - خدماتی، طی چند هفته اخیر، جریان داشته است. جنبش اعتراضی موجود، با همه ضعف های خود، از این توان و قابلیت که به جنبشی اعتراضی سراسری و تاثیرگذار بدل شود برخوردار است. نیروی هدایت گر و رهبری کننده این اعتراض ها، چشم اسفندیار و نقطه ضعف اساسی آن محسوب می شود. در اینجا نمی توان به نقش منفی تشکل هایی چون "خانه کارگر" و سیاست دنباله روی از جناح های حکومت و ویژگی سندیکا ستیزانه آن اشاره نکرد. مهار جنبش اعتراضی موجود زحمت کشان و به بی عملی کشاندن آن اکنون در کانون برنامه های ارتجاع و نهادهای امنیتی - اطلاعاتی قرار دارد. به دلیل تحول های صحنه سیاسی و رویدادها و روندهای فوق العاده پر اهمیت داخلی و خارجی، از جمله تاثیر ویرانگر تحریم ها بر زندگی توده های وسیع مردم به ویژه کارگران و زحمت کشان، سران و مسئولان درجه اول رژیم خصوصاً ولی فقیه، فرماندهان سپاه، و دولت احمدی نژاد از جنبش اعتراضی زحمت کشان به شدت هراس دارند. امسال همزمانی مطرح شدن موضوع تعیین حداقل دستمزدها و به تصویب رساندن پیش نویس "اصلاحیه قانون کار" همراه با زمینه سازی برای اجرای فاز دوم قانون هدفمند سازی یارانه ها با روندهای مربوط به انتخابات مجلس آینده - یعنی تحول های صحنه سیاسی داخلی - نگرانی جدی سران رژیم را برانگیخته است. از این روی، سومین نکته در سیاست چند وجهی به ضد جنبش کارگری، جلوگیری از هرگونه حرکت، اقدام، و فعالیت برای پیوند میان اعتراض های کارگری موجود با نارضایتی عمیق اجتماعی و جنبش مردمی است. به بیان دقیق تر، ولی فقیه، دولت ضد ملی احمدی نژاد، سپاه پاسداران، و دیگر جناح های رژیم ولایت فقیه، در راستای برنامه حذف جنبش مردمی از صحنه سیاسی، امسال تلاش خود را به کار می برند تا از پیوند، رابطه، و اتصال جنبش اعتراضی کارگری با مبارزه سراسری ضد استبدادی مانع شوند. با تحریم نفت، در جلسه ۳ بهمن ماه وزرای خارجه اتحادیه اروپا، برنامه پیش گفته در بالا، بیش از پیش در کانون توجه ارتجاع قرار گرفته است.

کارگران و زحمت کشان ایران و مبارزان صدیق و آگاه کارگری و سندیکایی به خوبی می دانند که با ادامه وضع موجود، زندگی آنان بیش از پیش به ورطه فقر و تباهی کشانده می شود. برای مقابله با یورش های ارتجاع و تغییر در وضع زندگی و معیشت و امنیت شغلی، راهی به جز مبارزه آگاهانه، با برنامه و سازمان یافته، وجود ندارد! کوشش تشکل های وابسته به حکومت برای تبدیل جنبش اعتراضی کارگران به زانده درگیری های جناحی، باید افشا و خنثی شود. ضمن استفاده از همه امکان ها، روزنه ها، و فرصت های موجود کنونی، باید بیشترین سعی را در سازمان دهی اعتراض ها و ارتقاء سطح همبستگی آن ها به کار برد. جنبش کارگری ایران، با تکیه بر سنت های پر افتخار و تجربه های ارزنده تاریخی خود، می باید ضمن تاکید بر حقوق صنفی - رفاهی و احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل و رزمجو و به طور کلی احیای حقوق سندیکایی خود، توان تاریخی و طبقاتی خویش را در راه تأمین منافع سیاسی اش نیز به کار گیرد. این امر بدون حضور فعال در صحنه سیاسی و هماهنگی، انطباق، و پیوند با جنبش همگانی و سراسری ضد استبدادی شدنی نخواهد بود. سرنوشت حال و آینده جنبش کارگری مهین ما در گرو تحکیم رابطه با مبارزات دمکراتیک و آزادی خواهانه کنونی مردم ایران با استبداد ولایتی، دولت احمدی نژاد، و رژیم ولایت فقیه است.

تلفیق مبارزه صنفی با پیکار سیاسی، استفاده هوشیارانه از همه امکان ها و فرصت ها، و برقراری و تحکیم رابطه با پیکار سراسری برضد دیکتاتوری، و مخالفت قاطع با تهدید و تجاوز امپریالیستی و تحریم های مداخله جویانه، اولویت های جنبش کارگری ایران در لحظه حساس و سرنوشت ساز کنونی است.

ادامه دور تازه پیگرد، سرکوب و شدت گرفتن ...

کارگیری سرکوب از سوی رژیم ولایت فقیه را، طی هفته های اخیر، شاهد هستیم. بازداشت و تهدید فعالان سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ابعاد نگران کننده ای به خود گرفته اند، و روزی نیست که خبری در خصوص پیگرد و دستگیری فعالان کارگری، روزنامه نگاران، مبارزان جنبش دانشجویی، و زنان انتشار پیدا نکند. پایگاه اطلاع رسانی نیروهای ملی - مذهبی، ۱۹ دی ماه، گزارش داد: «[در] دور تازه بازداشت فعالان سیاسی و روزنامه نگاران، محمود دردکشان، احسان هوشمند و فاطمه خردمند ... در شهرهای تهران و قم بازداشت شدند ... ماموران امنیتی با مراجعه به منزل محمود دردکشان، پس از تفتیش منزل و توقیف رایانه شخصی، او را بازداشت کردند. این فعال سیاسی نزدیک به بیت آیت الله منتظری پیش از این، پنج بازداشت و زندانی طولانی مدت را پشت سر گذاشته که از جمله می توان به تحمل ۵ سال حبس در دهه ۷۰ اشاره کرد ... همچنین احسان هوشمند فعال ملی - مذهبی ... به دنبال مراجعه شش مامور به اسم مامور مبارزه با مواد مخدر به منزل شخصی وی در تهران دستگیر شده است ... به گزارش خانه حقوق بشر ایران، ماموران امنیتی همچنین با مراجعه به منزل فاطمه خردمند پس از تفتیش و بازرسی، او را بازداشت کرده و به زندان اوین منتقل کردند ... فاطمه خردمند روزنامه نگار است.» در همین حال سعید مدنی، از اعضای شورای مرکزی ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی، نیز از سوی ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و روانه زندان شد.

فعالان جنبش کارگری و مبارزان سندیکالیست نیز از جمله در معرض تهدید، آزار، و دستگیری قرار داشته اند. شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا، از فعالان کارگری، در اواخر دی ماه در شهر سمنان بازداشت شدند و پس از مدتی با قید وثیقه آزاد گردیدند. به علاوه، محمد حسینی، از فعالان شناخته شده جنبش کارگری در شهر فیروزکوه دستگیر و به زندان انتقال داده شد. مطابق گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، ماموران امنیتی میثم نجاتی عارف، دانشجوی دانشگاه آزاد و فعال کارگری شرکت سایپا، را در روز ۱۳ دی ماه دستگیر کردند و به محل نامعلومی انتقال دادند. براساس گزارش های منتشر شده، ماموران وزارت اطلاعات بعد از دستگیری، او را با دستبند به منزلش برده اند، و با توهین و اذیت و آزار اعضای خانواده، کامپیوتر و مدارای از وسایل شخصی وی را ضبط کرده و با خود می برند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه نیز اعلام کرد که، دو تن از اعضای این سندیکا به نام های علی اکبر نظری و مرتضی کمساری از طرف شعبه دوم امنیت مستقر در اوین احضار شدند و پس از مدت کوتاهی بازداشت با قید کفالت آزاد شدند.

این فعالان کارگری علاوه بر این، طبق حکم دادگاه ویژه کارکنان دولت، به ۳ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شدند. حکم جزای نقدی در مورد کارگران، اقدامی هدفمند به منظور به تسلیم واداشتن فعالان سندیکایی است، زیرا کارگران که توان مالی پرداخت این جزای نقدی را ندارند، بار سنگین مالی آن بردوش خانواده های آنان می افتد.

برپایه گزارش پایگاه خبری کلمه، ۲۰ دی ماه، اعضای دو تشکل صنفی معلمان کشور، یعنی سازمان و کانون صنفی معلمان ایران، با موج جدیدی از تهدید و بازداشت از سوی نیروهای امنیتی - اطلاعاتی مواجه شده اند. مطابق گزارش کلمه: «تعدادی از معلمان و فعالان آموزشی کشور طی چند روز اخیر توسط نهادهای امنیتی - اطلاعاتی احضار و مورد تهدید و بازجویی قرار گرفتند. این معلمان که بیشترشان از اعضای دو تشکل مهم صنفی معلمان ایران ... هستند به علت تشکیل جلسات صنفی و خبر گرفتن از همکاران در بندشان توسط این نهادها (وزارت اطلاعات و شعبه اطلاعات سپاه پاسداران) بازجویی و تهدید شده اند، وزارت اطلاعات در جلسات بازجویی به این معلمان فعال کشور گفتند که حق برگزاری هیچ گونه جلسه یا گردمایی را قبل از انتخابات مجلس که در اسفند ماه سال جاری برگزار می شود، ندارند ... همچنین به برخی از فعالان و اعضای سازمان معلمان ایران در جلسات بازجویی گفته شد که در صورت بی توجهی به این تهدیدها، پرونده های مفتوح آنان به دادگاه انقلاب (اسلامی) ارسال خواهد شد.»

خبرگزاری هرانا، ۲۲ دی ماه، در گزارشی نوشت: «اعضای کانون فرهنگیان یزد از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی یزد به حبس محکوم شدند.» هرانا می نویسد: «براساس حکم صادره حسن شیرازی، منصور میرزایی، محمد جواد حسامی، احمد چنگیزی، محمد علی شاهدی، رمضان علی نجاتی، محمد مهدی صدیقی، محمد حسین دهقان پور و علی

قوچانی به اتهام تبلیغ علیه نظام، فعالیت غیر قانونی از طریق سخنرانی و تشکیل جلسه، تجمع و صدور بیانیه و تحریک معلمان به اعتصاب غذا و تعطیلی کلاس به زندان محکوم شدند. حکم زندان این افراد به مدت ۵ سال تعلیق شده است.» بر پایه گزارش هایی که در روزها و هفته گذشته منتشر شده اند، مرضیه رسولی روزنامه نگار، پرستو دوکوهکی فعال اجتماعی، سهام الدین بورقانی عکاس و خبرنگار، محمد سلیمانی نیا مترجم و روزنامه نگار، دستگیر و روانه زندان شده اند. به علاوه، تعدادی از فعالان و مبارزان جنبش کارگری به نام های: ساسان واهی وش، محمد جراحی، مهدی فرحی شاندیز، نیما یعقوب پور، و شاهرخ زمانی از سوی ماموران وزارت اطلاعات بازداشت گردیده اند. همچنین در دور تازه سرکوب، عده ای از فعالان سیاسی و روزنامه نگاران در استان های: خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، مازندران، و فارس بازداشت شده اند. به همه این بازداشت ها و سرکوب ها، خبرهای نگران کننده از درون زندان ها و شدت گرفتن فشار بر زندانیان سیاسی را باید افزود. شدت یافتن فضای امنیتی و به کارگیری فشار و سرکوب در برابر فعالان سیاسی، روزنامه نگاران، فعالان اجتماعی، کارگری، زنان، و معلمان، برنامه حساب شده ای است بر ضد جنبش مردمی، و به منظور حذف و مهار آن درپیش گرفته شده اند. رژیم ولایت فقیه می کوشد با دستاویز قرار دادن خطر خارجی و تهدید و تحریک های خارجی جنبش مردمی را سرکوب و از معادله های سیاسی کشور حذف کند. به این جهت دور تازه ای از سرکوب را در جامعه شاهدیم که لبه تیز هجوم آن متوجه گردان های تاثیر گذار اجتماعی به ویژه جنبش کارگری است.

در برابر این سیاست می باید درصافی واحد و با اتحاد عملی گسترده به مقابله برخاست، و توطئه ارتجاع حاکم را خنثی ساخت. آینده میهن ما در گرو تقویت نقش جنبش مردمی در صحنه سیاسی کشور است!

ادامه مبارزه حزب توده ایران و ترقی ...

اخیر دیگر نفت مورد نیاز خود را از خاورمیانه تأمین نمی کنند چنین تحریم نفتی می تواند بدون ایجاد محدودیتی برای آنها به اجرا درآید. خریداران عمده نفت ایران از کشورهای اتحادیه اروپا، یونان و پس از آن به نسبت کم تر دو کشور اسپانیا و ایتالیا هستند. بازار اصلی صادرات نفت ایران جنوب و شرق آسیا است که بطور عمده کشورهای چین، هندوستان، کره جنوبی و ژاپن را در برمی گیرد. اما این کشورها با دوراندیشی محتاطانه ای پیش از این که چنین تهیه کننده نفت را بقصد همسویی با طرح اتحادیه اروپا رها کنند عمل خواهند کرد. در مورد هندوستان که برای توسعه جنگ افزار اتمی خود، رای مردم دنیا را ندیده گرفت منطق حکم می کند حتماً از نظر وجدانی هم نمی تواند بر اساس اتهامات بی پایه که ایران درگیر ساختن جنگ افزار اتمی است به یک موضع خصمانه علیه ایران کشیده شود... باید با این مسئله با هوشیاری برخورد کرد. هدف عمده آنها مخالفت با گسترش جنگ افزارهای اتمی نیست بلکه تغییر رژیم در ایران و کشور هم پیمانش سوریه است. نشریه مورینگ ستار هیچ توهین در نبود آزادی ها و کمبودهای حقوق دموکراتیک در این دو کشور ندارد اما کشورهای هم پیمان غربی هیچگاه در مناسبات گرم و دوستانه با دیکتاتوری های ددمش عربستان سعودی، یمن، مصر در زمان حسنی مبارک و حاکمیت موروثی فاسد شیخ نشینان در خلیج فارس از خود شرمسار نبوده اند. دشمنی غرب از خودداری تهران و دمشق در پذیرفتن تسلط ایالات متحده در منطقه و پشتیبانی از سیاست کشتار قومی اسرائیل و تازش استعمارگرایانه اش در کرانه رود غربی اردن سرچشمه می گیرد. چوب لای چرخ گذاشتن برای افزایش تنش در منطقه خلیج هیچ سودی برای نیروهای سرکوب شده و دموکراتیک ایران و مردم انگلیس ندارد. چنین اقداماتی می تواند اسرائیل را در دست زدن به یک حمله پیش گیرانه به تسهیلات صنعت هسته ای ایران با پیامدهای فاجعه بار غیر قابل تصویری برانگیزد. نیروهای دموکراتیک ایران از جمله حزب توده ایران با افزایش بیشتر تحریم ها مخالف هستند زیرا این تحریم ها به بدتر شدن بیشتر زندگی روزمره زحمتکشان می انجامد و دستاورد تبلیغاتی ارزشمندی است برای دیکتاتوری مذهبی حاکم در وانمود کردن به مقاومت «ضد امپریالیستی». افزایش ناگزیر قیمت نفت خام به سبب آشفستگی موجود در منطقه مهار رکود اقتصاد جهانی را دشوارتر کرده است.

درگیر کردن کشور ما (انگلیس) به دست دولت ائتلافی کنونی در یک رویارویی نظامی به سرکردگی ایالات متحده خطری است که می تواند به بدتر شدن شرایط موجود با بهای گزاف منجر شود.



حزب کمونیست آمریکا تأسف خود را از تنش های شتاب یابنده بین ایران از یک سو و اسرائیل، ایالات متحده و انگلیس از سوی دیگر اعلام می دارد. این شتاب یافتگی تهدیدی برای صلح جهانی به شمار می رود. سخنان غیر مسئولانه ای که از سوی نمایندگان گوناگون احزاب چون نیوت گینگریچ، نامزد ریاست جمهوری آمریکا،

از حزب جمهوری خواه، و افراد گوناگونی در دولت اسرائیل، که آشکارا از اقدامات ضربتی بر ضد تسهیلات اتمی ایران نام می برند، بدون تردید می تواند به منزله ای اعلام جنگ تلقی شود.

ایران چندی پیش رزمایش دریایی خود را که شامل آزمایش موشک های دوربرد در خلیج فارس بود، به پایان رسانید و تهدید کرده است که اگر مورد حمله نظامی قرار گیرد از ورود و خروج کشتی ها به تنگه ی هرمز جلوگیری خواهد کرد. واکنش آمریکا و اسرائیل نیز اعلام برگزاری رزمایش مشترک دریایی بین این دو کشور در همان منطقه بود (اکنون این مانور به دلایلی که هنوز روشن نیست از سوی آمریکا به تعویق افتاده است).

این رویدادها همراه با تلاش های ایالات متحده برای سازمان دهی تحریم خرید نفت از ایران و همچنین منع معاملات مالی با بانک مرکزی این کشور، که در ظاهر مقابله با اقدام ایران در زمینه گسترش غنی سازی اورانیوم است، نمایان گر تشدید تنش های عمده در این منطقه است....

ما حامی رژیم کنونی ایران نیستیم که به سرکوب طبقه کارگر و نیروهای چپ از جمله حزب توده ایران می پردازد و به شکل فزاینده ای از همان سیاست های اقتصاد نولیبرالی، که زندگی مردم دنیا را دستخوش مصیبت ساخته پیروی می نماید. اما بر این باوریم که دخالت خارجی و تحریکاتی که از سوی اسرائیل، آمریکا، انگلیس و دیگر دولت ها انجام می گیرند به هیچوجه یاری رسان توده های مردم ایران نخواهد بود. نیروهای مترقی ایران نیز به درستی، در عین انتقاد به عملکرد دولت کشورشان با صراحت با مداخلات خارجی، از جمله تحریم هایی که اکنون از سوی ایالات متحده و متحدینش به پیش برده می شوند و پیامدهای مخرب آن که افزون بر افزایش دشواری برای مردم عادی مورد بهره برداری رژیم نیز قرار می گیرد مخالفت کرده اند. افزون بر آن، هر پیش آمد یا حرکت غیر مسئولانه ای از سوی یکی از دو طرف می تواند به یک رویارویی نظامی منجر شود که اثر ویرانگری در اقتصاد جهانی بویژه کشورهای فقیری که برای بقاء خودشان به شدت به نفت ایران نیازمندند خواهد داشت.

ایران به مراتب بزرگ تر از عراق و توسعه یافته تر از افغانستان است و بنابراین اگر ایالات متحده درگیر جنگی با ایران شود برای همگی نتایج اسفناکی دربر خواهد داشت. تن دادن به این درگیری جز فاجعه چیز دیگری به همراه نخواهد داشت.

امروز بازی ها و ترفندهای گوناگونی در کارند که بحران کنونی را تحت تاثیر قرار می دهند. در روند انتخابات مجلس در ایران که در پیش است احمدی نژاد با حملات نیروهای واپس گرا تر در کشور، به رهبری بنیادگرایان شورای نگهبان و علی خامنه ای روبرو است. دولت اسرائیل از سوی بسیاری از شهروندانش به سبب اجرای سیاست های اقتصادی ورشکسته که به ژرف تر شدن شکاف بین دارندگان ثروت و فرودستان انجامیده است در معرض انتقاد شدیدی قرار دارد. خصومت های تند و تیز بین ایران و عربستان شعله ور شده اند. و البته باید به انتخابات ریاست جمهوری آتی ما که در آستانه آن قرار داریم اشاره نیز اشاره که در این راستا حزب جمهوری خواه در کارزار فشار همیشگی خود تلاش می ورزد که دولت اوباما را به داشتن برخورد "ملایم" در رویارویی با

مبارزه حزب توده ایران و ترقی خواهان جهان بر ضد ماجراجویی نظامی در خلیج فارس



همزمان با تشدید تنش میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده و متحدان آن، حزب توده ایران کارزار گسترده بی را در جهت هشدار باش بر ضد جنگ و بسیج افکار عمومی جهان در دستور کار خود قرار داده است. انتشار ده ها مقاله، بیانیه و تحلیل از سوی نیروهای چپ، روزنامه های ترقی خواه و سازمان های همبستگی و نهاد های مدافع صلح در جهان از جمله ثمرات این فعالیت ها است.

"کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" (کودیر) که شعبات آن در کشورهای انگلیسی زبان فعالیت های متنوعی را در بسیج افکار عمومی این کشورها داشته

Home Contact us CODIR says... CODIR in Action CODIR against t



اند، با فعالیت های تبلیغاتی نظر نیروهای مترقی، چپ و اتحادیه های کارگری را نسبت به افزایش بی سابقه تهدید جنگ جلب کرد. انتشار مقالات، بیانیه های مطبوعاتی و تحلیل های "کودیر" در روزنامه های "مورنینگ استار" چاپ لندن و "جهان مردم" در ایالات متحده و ایستگاه های رادیویی و رسانه های عمومی در کانادا از ثمرات این فعالیت ها بوده است. از دیگر نتایج مثبت این کارزار پیوستن اتحادیه های کارگری چپ به جنبش مخالفت با جنگ و دفاع از مبارزه مردم ایران برای صلح، دموکراسی و پیشرفت می باشد.

شورای جهانی صلح در ماه های اخیر بار ها مخالفت خود با جنگ و اقدام نظامی بر ضد ایران را مورد تاکید قرار داده است. نهاد هماهنگی مبارزان ترقیخواه صلح جهان در آذرماه جاری در مصوبه خود در رابطه با تحولات منطقه اعلام داشت: "ما از مبارزه پیچیده مردم ایران برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی پشتیبانی می کنیم، و هر گونه دخالت خارجی در امور داخلی ایران به هر بهانه ای را مردود می شماریم. شورای جهانی صلح بر این باور است که این حق ایران می باشد، که مانند همه کشورهای دیگر جهان، در زمینه استفاده و توسعه فن آوری هسته ای برای کاربردهای صلح آمیز اقدام نماید. شورای جهانی صلح تهدید حمله نظامی بر ضد ایران و تحمیل تحریم های تنبیهی اقتصادی علیه آن کشور را تقبیح می کند. سرنوشت آینده تحولات ایران، موضوعی است که با اراده و خواست مردم ایران رقم زده خواهد شد و هیچ نیروی خارجی تحت هیچ بهانه ای حق مداخله در امور داخلی این کشور را ندارد."

فراخوان حزب کمونیست آمریکا برای توقف تحرکات تحریک آمیز

ادامه مبارزه حزب توده ایران ...

دشمنان کشور متهم کند. همگی این پدیده‌ها گرایش به سمت یک درگیری نظامی پر خطری را افزایش می‌دهند.

حزب کمونیست آمریکا خواستار پایان دادن به دسیسه‌ها و تحریکاتی است که از سوی اسرائیل، انگلیس و دولت آمریکا و محافل سیاسی وابسته به آن انجام می‌گیرد. ما فشار برای حمله نظامی به ایران از سوی اسرائیل را محکوم می‌کنیم. باید بیاد داشته باشیم که اسرائیل تنها دولتی در منطقه است که از سلاح هسته‌ای برخوردار است. ما از دولت اوباما می‌خواهیم که ناو هواپیمابر "ستیس" و دیگر واحدهای دریایی را از منطقه فراخواند و تمرین‌های جنگی را بجای به تعویق انداختن متوقف سازد. ما کشتار دانشمندان ایرانی را به مثابه فعالیت جنایت‌کارانه تروریستی محکوم می‌کنیم. ما دوباره تأکید می‌کنیم که فقط مردم ایران حق تصمیم‌گیری برای تعیین نوع حکومتشان را دارند. ما با هر گونه دخالت خارجی در راستای "تغییر رژیم" در ایران مخالف هستیم. ما خواستار ادامه گفتگوها به مثابه تنها راه عملی برای کاهش تنش در منطقه خلیج فارس هستیم. ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲

بیانیه مطبوعاتی
حزب کمونیست
یونان

تصمیم اتحادیه اروپا مبنی بر تحمیل تحریم نفتی ایران، نشان‌گر یک حرکت بشدت تجاوزکارانه است. این عمل برای اتحادیه اروپا، که شماری از کشورهای عضو آن از جنگ‌افزارهای اتمی برخوردار هستند، و دولت آمریکا، که برنامه

تحقیقات اتمی ایران را دستاویزی برای تحمیل خواسته‌های امپریالیستی قرار دهد بی‌نهایت گستاخانه است.

توافق دولت یونان با تحریم‌ها نمی‌تواند جز حمایت آشکار از طرح‌های تعرضانه اتحادیه اروپا علیه مردم ایران باشد و بازتات درگیری عمیق‌تر این کشور در رقابت‌ها و جنگ‌های امپریالیستی است. افزون بر آن همکاری نظامی یونان با دولت تجاوزگر اسرائیل که با پشتیبانی ایالات متحده و اعضای اتحادیه اروپا از داشتن جنگ‌افزارهای هسته‌ای بهره‌مند است تقویت می‌گردد.

مردم باید حرکات تحریک‌آمیز اتحادیه اروپا و موضع دولت یونان را محکوم نمایند. باید پیکار مردم بر ضد اقدامات ددمنشانه دولت و "ترویکا" (کمیسون اروپا که با نقش مستقیم بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول نجات مالی کشورهای یونان، ایرلند و پرتغال را ترتیب دادند) با مبارزه در راستای رهایی کشور از ساختارهای امپریالیستی و دخالت‌ها و مشارکت در ماجراجویی‌های نظامی امپریالیستی امیخته شود. حزب کمونیست یونان کارگران، پیشه‌وران، جوانان و زنان را فرا می‌خواند که در گردهمایی‌های توده‌ای با شعارهای زیر شرکت کنند:

به قربانی کردن‌ها در راه تأمین منافع انحصارها پایان دهید!
مردم نباید در جنگ‌های امپریالیستی قربانی کننده و یا قربانی شوند!

آتن، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲

دفتر مطبوعاتی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

کمونیست‌های بریتانیا گسترش و تشدید تمهیدهای

نظامی دولت علیه ایران را محکوم می‌کنند!

بیانیه در محکومیت اقدامات دولت انگلیس در مورد ایران

حزب کمونیست بریتانیا تصمیم دولت این کشور مبنی بر اعزام کشتی جنگی "اچ.ام.اس. آرگایل"، برای پیوستن به نیروهای نظامی ایالات متحده و فرانسه در خلیج فارس را محکوم کرد.

حزب کمونیست بریتانیا در بیانیه‌ای خواستار حمایت مردم و شرکت در تظاهرات مخالفت با جنگ افروزی در لندن در تاریخ روز شنبه ۸ بهمن ماه شد، که از سوی "اتلاف برای توقف جنگ" سازمان دهی شده است. دولت بریتانیا نقش به شدت غیرمستولانه و خطرناکی در به پیش راندن سیاست جدید اتحادیه اروپا برای تحمیل تحریم کامل صادرات نفت از ایران از تیرماه جاری (ابتدای ژوئیه ۲۰۱۲) ایفا کرده است، این امر از سوی ایران به مثابه حمله مستقیم به حق حاکمیت این کشور تلقی خواهد شد. اقدام اتحادیه اروپا مسیری را باز کرده است که می‌تواند مستقیماً به ماجراجویی عمده نظامی منجر شود که هیچ کشوری از صدمات آن مصون نخواهد ماند.

جنبه حماقت آمیز این سیاست وقتی روشن می‌گردد که توجه کنیم که در گزارش اخیر موسسه علوم و امنیت بین‌المللی ایالات متحده اعلام شده است که ایران فاقد منابع برای ساخت یک بمب هسته‌ای است... در چنین شرایطی، تشدید دائمی تنش، همراه با چالش‌های نظامی مستقیم از سوی ایالات متحده، انگلیس، اسرائیل و متحدان آنها، تنها در خدمت بیشتر کشاندن خاورمیانه به آستانه جنگی با ابعاد ویرانگرانه می‌باشد. مداخلات فعلی توسط ایالات متحده و بریتانیا به وضوح با انگیزه تسلط اقتصادی بر منطقه و جلب رضایت و دلجویی از متحدان کلیدی منطقه‌ای خود، همچون عربستان سعودی و اسرائیل صورت می‌گیرد. علاوه بر این، تهدید به مداخله خارجی امپریالیستی ارتجاعی‌ترین بخش رژیم ایران را تقویت کرده و تحکیم کنترل سرکوبگرانه‌اش بر کشور را ممکن می‌کند.

حزب کمونیست بریتانیا:

- تحریم‌های اقتصادی بر ضد ایران را به عنوان اقدامی تنبیهی برای کل مردم ایران و تقویت دست رژیم دین سالار محکوم می‌کند؛
- اقدامات نظامی را شدیداً تحریک‌آمیز و خطرناک دانسته و محکوم می‌کند؛
- خواستار از سر گرفته شدن مذاکرات بین‌المللی تحت حمایت سازمان ملل متحد با دولت ایران است؛

- همبستگی خود را با حزب توده ایران و همه آنانی که در ایران برای اعاده دموکراسی و علیه سرکوب اتحادیه‌های کارگری و حقوق مدنی مبارزه می‌کنند، اعلام می‌دارد.

۲۷ ژانویه ۲۰۱۲

سر مقاله روزنامه مورنینگ استار: جنون جنگ

 Morning Star
online.co.uk



در پی تلاش اخیر ویلیام هیگ برای برانگیختن احساسات ضد ایرانی، وزیر دفاع انگلیس در سخنانی که قدرت نظامی این کشور را به رخ می‌کشد تهدید به ارسال نیروی کمک نظامی به خلیج فارس کرد. وزیر دفاع انگلیس گفت تصمیم دولت در گسیل ناوچه "اچ.ام.اس آرگایل" که بخشی از گروه شناورهای جنگی بین‌المللی فرستاده شده به تنگه‌ی هرمز در روز یکشنبه گذشته

می‌باشد "هشدار صریحی" به تهران به شمار می‌رود.

این سخنان جز بازگویی همان تهدیدات امپریالیستی شناخته شده انگلیس در راستای جنگ روانی، ایجاد ترس و بی‌ثباتی که با وصله‌هایی از دورویی لیبرالی به هم بافته شده‌اند نیست. وزیر امور خارجه با اشاره پیوسته به رای همگانی مردم دنیا به تهران توصیه می‌کند که "به سر عقل بیاید" و در مورد برنامه هسته‌ایش به گفتگو بنشینند... به نظر نمی‌رسد روسیه و چین نیز با این تصمیم اقلیت سلطه‌گر جهانی برای تحمیل منع صادرات نفت ایران همگام شوند. برای انگلیس، فرانسه، هلند و آلمان که در سال‌های

ادامه در صفحه ۷



برگزاری سومین «همایش نیروهای چپ عرب»: مبارزه برای دگرگونی های دموکراتیک

سومین «همایش نیروهای چپ عرب» با عنوان: «به سوی یک جبهه مقاومت ملی عرب برای مقابله با امپریالیسم و در راه دگرگونی های دموکراتیک ریشه ای» در روزهای ۲۳ تا ۲۵ دی ماه ۱۳۹۰ (۱۳ تا ۱۵ ژانویه ۲۰۱۲) در بیروت، پایتخت لبنان، برگزار شد که در آن نمایندگان ۲۲ حزب از ۱۱ کشور شرکت داشتند. این همایش در شرایط اوج گیری بسیج جهانی برضد سرمایه داری، و در کنار آن، بیداری انقلابی ملت های عرب در راه دستیابی به آزادی و دموکراسی، برگزار شد. «همایش» در دو بخش سیاسی و اجتماعی- اقتصادی برنامه ریزی شده بود.

در بخش **سیاسی**، به موضوع مبارزه در راه دگرگونی های دموکراتیک ریشه ای در پیوند مبارزه با امپریالیسم، پرداخته شد. در این بخش همچنین بر اهمیت مقابله با طرح امپریالیستی به اصطلاح «خاورمیانه جدید» و اینکه هدف از آن تأمین و حفظ سرکردگی امپریالیست ها بر منطقه از راه تجدید سازمان طرح های پیشین است، آن هم با اتکا به نیروهای اسلام سیاسی، تأکید شد. «همایش» در ارتباط با مسئله فلسطین، بر اولویت آرمان فلسطین و برجستگی و اهمیت پیکار اعراب و اسرائیل از یک سو، و اعراب و امپریالیسم از سوی دیگر، تأکید کرد. هدف های این پیکار، حق تعیین سرنوشت، و در کنار آن، بیداری انقلابی ملت های عرب در راه دستیابی به آزادی و دگرگونی های دموکراتیک را دربر می گیرد که از راه ایجاد یک جنبش مقاومت عرب و فلسطینی و با استفاده از همه شکل های مقاومت به منظور آزادسازی فلسطین اشغال شده، تأمین خواهد شد. «همایش»، اهمیت هماهنگی و همکاری میان همه گردان های آن در راه ایجاد یک **جبهه دموکراتیک ملی** در هر یک از کشورهای عرب و نیز در سطح کل منطقه عرب را حائز اهمیت دانست.

در بخش **اجتماعی- اقتصادی** «همایش»، در موضوع هایی از قبیل: وابستگی، نیروهای اسلام سیاسی و اقتصاد، دگرگونی های ایجاد شده در ساختار اجتماعی کشورهای عرب، و اهمیت مبارزه در راه یک انقلاب دموکراتیک ملی، و پیکار برای تدوین یک برنامه جامع توسعه، در حکم تنها گزینه در برابر وابستگی، بحث و گفتگو شد. بحث های این بخش، پیرامون نقش نیروهای چپ در شکل دادن و تقویت انقلاب های عرب با توجه به ظهور نیروهای اسلام سیاسی و به قدرت رسیدن آن ها با پشتیبانی امپریالیسم، دور می زد. در این «همایش»، آغاز به کار کانال ماهواره ای چپ «الیاسریه» اعلام شد. پس از بحث و گفتگوی شرکت کنندگان در این «همایش»، بندهای زیر به تصویب رسیدند:

۱. «همایش» به شهیدان خیزش ها و انقلاب های عرب، و به همه آنانی که در زندان های «عرب» و عربی زندانی اند، به ویژه زندانیان فلسطینی و عرب در زندان های صهیونیست ها، و در پیشاپیش همه، رفیق احمد سادات، دبیر کل «جبهه خلق برای آزادی فلسطین»، درود می فرستد. «همایش» تصویب کرد که، کارزار آزادی بین المللی به منظور آزادی زندانیان سیاسی سازمان دهی شود؛

۲. «همایش» بر این امر تأکید می کند که، شعرهای مطرح شده از سوی توده های عرب، همیشه موضوع پیکار طولانی نیروهای چپ بوده است، که در صدر آن ها تقویت دموکراسی در تمام ابعاد آن قرار دارد، از جمله آزادی تشکیل حزب های سیاسی و آزادی فعالیت های سیاسی، آزادی تشکیل سندیکاها و فعالیت سندیکایی، و آزادی اندیشه، عقیده، و بیان. این بدان معناست که رخدادهای اخیر و جاری در دنیای عرب، همسو با روند تاریخی مطلوبی است که نیروهای چپ، با تأکید بر پیوند میان مبارزه با امپریالیسم و مبارزه در راه دگرگونی های دموکراتیک ریشه ای به منظور تحقق انقلاب دموکراتیک ملی با چشم انداز سوسیالیستی، باید از آن سود ببرند؛

۳. «همایش» بر اهمیت مقابله با طرح امپریالیستی «خاورمیانه جدید» تأکید می کند که هدف از آن تأمین و حفظ سرکردگی امپریالیست ها بر منطقه از راه تجدید سازمان طرح های پیشین است، آن هم با اتکا به نیروهای اسلام سیاسی (به شکلی که ترکیه، عربستان سعودی، و قطر آن را ترویج و حمایت می کنند)، تا از این طریق، جهان عرب را به کشورهایی باز هم کوچک تر و بر اساس معیارهای فرقه ای، مذهبی، و قومی، تقسیم کنند. نابودی آرمان فلسطین و تشکیل یک حکومت یهودی خالص در سرزمین فلسطین را نیز از همین راه به پیش می برند. «همایش» مخالفت قاطع خود را با ادامه و تشدید نظامی شدن کل منطقه عربی در نتیجه افزایش معامله های تسلیحاتی و انبار کردن تسلیحات در منطقه، اعلام

می کند. «همایش» همگان را به مبارزه در راه برجیدن پایگاه های نظامی آمریکا و «ناتو» از سراسر منطقه عربی فرا می خواند؛

۴. «همایش» بر اولویت آرمان فلسطین و برجستگی و اهمیت پیکار اعراب و اسرائیل از یک سو، و اعراب و امپریالیسم از سوی دیگر تأکید می کند. هدف های این پیکار، حق تعیین سرنوشت، حق بازگشت پناهندگان، حق تشکیل یک دولت کاملاً مستقل و خودمختار به پایتختی اورشلیم را دربر می گیرد که از راه ایجاد یک جنبش مقاومت عرب و فلسطینی و با استفاده از همه شکل های مقاومت، به منظور آزادسازی فلسطین اشغال شده، تأمین خواهد شد؛

۵. «همایش» بر این نظر است که، نقش نیروهای چپ در مقابله با امپریالیسم، مقابله با رژیم های سرکوبگر ارتجاعی، و در عمق بخشیدن به انقلاب های عرب، فقط از راه افزایش همکاری و هماهنگی مؤثر میان همه اعضا، به منظور ایجاد یک جبهه دموکراتیک ملی در سطح هر کشور عرب و در سطح کل منطقه عربی، می تواند واقعیت یابد. برنامه چنین جبهه ای برای ایجاد تغییر، طوری باید باشد که پایه ای از برای تشکیل یک جنبش آزادی بخش عرب نوین قرار گیرد؛

۶. «همایش» بر اهمیت پیکار اندیشگی (ایدئولوژیک) و اهمیت تبلیغات و کار رسانه ای اذعان دارد. در این ارتباط، «همایش» بر اهمیت تکمیل و تقویت ابزارهای موجودی که در اختیار نیروهای چپ است و نیز ایجاد ابزارهای جدید، تأکید دارد. این ابزارها به ترویج برنامه های چپ در میان توده های عرب و افشای دروغ پراکنی های رسانه های بورژوازی کمک می کند؛

۷. «همایش» تلاش های کمیته مسئول راه اندازی کانال ماهواره ای چپ «الیاسریه» را می ستاید، و به کار افتادن این کانال را دستاوردی پراهمیت می داند. به نظر «همایش»، این کانال، در میان رسانه های عربی ابزاری اساسی خواهد بود که هدف آن، پخش کردن برنامه های سیاسی «همایش نیروهای چپ عرب» است؛

۸. «همایش» بر اهمیت مسائل اجتماعی- اقتصادی زیر تأکید می کند:

پایان دادن به وابستگی به نظام سرمایه داری جهانی، و پذیرش این امر که این نظام علت بیشتر بحران های اقتصادی یی است که کشورهای ما با آن روبه رویند...؛

مبارزه در راه انقلاب دموکراتیک ملی و پیکار برای تدوین یک برنامه جامع توسعه در حکم تنها گزینه در برابر وابستگی، و همچون وسیله ای برای دست یافتن به رشد اجتماعی- اقتصادی و بازپخش درآمدها و ثروت؛

آشکار کردن ماهیت طبقاتی مبارزه، با استفاده از برنامه یی که بتواند کارگران، کارمندان، و دهقانان را پیرامون موضوع های زیر گرد آورد و بسیج کند؛

رشد و توسعه و اصلاح بخش دولتی، و طرد همه شکل های خصوصی سازی؛

تنظیم مجدد سیاست های اشتغال و امر توزیع ثروت در سیاست های دولتی، به ویژه سیاست های مالیاتی و بودجه های خدمات اجتماعی همگانی؛

تشویق بخش های تولیدی، اصلاح دستمزدها و تقویت خدمات

ادامه مصاحبه "نامه مردم" با رفیق امداد قاضی ...

کامل "دیوان عالی" پاکستان اند، و از سوی دیگر نیروهای دموکراتیک سکولار ترقی خواه را داریم که به قدرت آرای مردم اعتقاد دارند. این برخورد و تقابل به سرعت در حال تشدید است. به علت سیاست های اقتصادی ورشکسته دولت انتخابی، نیروهای حامی دموکراسی در موقعیت ناستوار و لغزنده بی قرار دارند.

در چنین موقعیتی، ما به طور جدی تری به گردان های مردمی واقعی، یعنی به سندیکاها، جنبش دهقانی، زنان، و دانشجویان روی می آوریم که سازمان دهی آن ها، به منظور مقابله و مبارزه با آن نیروهای فاشیستی و درنده خو، ضرورتی مبرم دارد. کمونیست ها، با توجه به شرایط و امکان های موجود، باید گردان های گوناگون خود را سازمان دهی کنند و خود را در حکم یک گزینه سیاسی بدیل در جامعه، آماده و معرفی کنند؛ چپ ها، بر پایه یک برنامه حداقل و به منظور برگزاری کنفرانس های کارگری و دهقانی و گردهمایی های دانشجویان، جوانان و زنان، با هدف برجسته کردن مبارزه برای حقوق آنان، باید با یکدیگر متحد شوند. این امر باید هدف عمده فرهنگ سیاسی و در صدر برنامه کار نیروهای مترقی سیاسی پاکستان باشد.

نیروهای چپ برای نشان دادن توان و قدرت خود باید میان خود، و همچنین با دیگر نیروهای دموکراتیک سکولار کشور، روابط کاری برقرار کنند و نظام انتخاباتی را به سوی نظامی دموکراتیک و پایدار مشارکتی برانند تا بتوان از این راه صلح را در منطقه و ورای آن تأمین و حفظ کرد.

ادامه برگزاری سومین همایش ...

اجتماعی؛ ایجاد فرصت های شغلی متناسب با نیروی کار، به ویژه در زمینه تأمین کار برای جوانانی که تازه وارد بازار کار می شوند؛ مبارزه برای آموزش همگانی رایگان برای همه در تمام سطوح؛ ایجاد شبکه های تأمین اجتماعی، شامل صندوق بازنشستگی، بیمه بیکاری، و خدمات بهداشتی و درمانی، و منظور کردن مبارزه با فقر و فساد در برنامه های درازمدت (راهبردی) توسعه اجتماعی؛ تدوین برنامه های کشاورزی و تأکید بر اهمیت این بخش در تأمین امنیت غذایی، و در توسعه نواحی روستایی، و در نتیجه، کاهش مهاجرت به شهرها. تدوین سیاست های حفاظت از محیط زیست و پایان دادن به پروژه های سوداگرانه ای که فقط در پی کسب حداکثر سود- حتی به بهای ویرانی محیط زیست- هستند؛ بهبود توان رقابت بخش های تولیدی؛ بهبود پیوند میان اجزای این بخش، و همسازی و درهم پیوندی آن با بخش های تولیدی دیگر کشورهای عرب؛

بهبود هم پیوندی انقلاب فناوری و ارتباطات در درون هر کشور عرب با خدمات اجتماعی در آن کشور؛

۹. "همایش"، ارزش زیادی برای مبارزه زنان در انقلاب های عرب قائل است و تأکید می کند که پیکار برای رهایی زنان بخش جدایی ناپذیری از برنامه "همایش نیروهای چپ عرب" است. "همایش" بر اهمیت مبارزه برای از میان بردن همه شکل های تبعیض برضد زنان تأکید دارد. "همایش" هرگونه تلاش برای بازپس گرفتن دستاوردهای زنان را که نتیجه سال ها پیکار برای رهایی و برابری است، محکوم می کند؛

۱۰. "همایش" به جوانان شرکت کننده در انقلاب های عرب درود می فرستد و بر اهمیت تصمیم های عمده ای که در نخستین "همایش جوانان چپ عرب" در شهریور ۸۹ (سپتامبر ۲۰۱۱) برگزار شد، تأکید دارد؛ ۱۱. شرکت کنندگان در این نشست تصمیم گرفتند که در آینده نشست های منظمی برگزار کنند، و پذیرای هر نیروی چپ عربی باشند که خواهان پیوستن به "همایش نیروهای چپ عرب" است. این موارد در همایش های آتی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بیروت- ۲۵ دی ماه ۱۳۹۰ (۱۵ ژانویه ۲۰۱۲)

"دیوان عالی" پاکستان به یک مدعی بالفعل تبدیل شده است که در هر وضعیتی و به هر بهانه ای که بتواند، می کوشد دولت غیرنظامی را مورد سؤال قرار دهد و به محاکمه بکشاند، تا به هر قیمتی شده این نهاد غیرنظامی را تضعیف کند. جالب است که همین "دیوان عالی" کشور، در ارتباط با آنچه به منافع مردم مربوط می شود، یا در رابطه با عملیات نظامی و نسل کشی در "بلوچستان" قرار می گیرد، و همچنین در مورد ناپدید شدن هزاران تن از فعالان سیاسی و سپس کشتار فاجعه آمیز آنان، و دخالت بیجای "سازمان امنیت و اطلاعات" کشور در امور سیاسی دولت، کاملاً کور و کر است. وضع به قدری خراب است که بسیاری از آگاهان سیاسی پاکستان، افتخار محمد چاوردی، رئیس "دیوان عالی" کشور، را "نایب ژنرال افتخار محمد چاوردی" می خوانند.

شیوه کشورداری دولت کنونی- که ملقمه ای است از ناتوانی سیاسی محض، فساد، پارتی بازی، و منصوب کردن نزدیکان در شغل های مهم دولتی، به علاوه اجرای فرمان های نهادهای امپریالیستی و اقتصادی جهان سرمایه داری- موجب افزایش سرسام آور تورم شده است، که به نوبه خود بحران های فاجعه آمیز در بخش های خدماتی و تولیدی را به دنبال داشته است.

هر بار و هر وقت دولتی انتخاب می شود، نیروهای کمونیست و ترقی خواه چپ راهبردهای مبارزاتی مشترکی را تدوین می کنند تا از آن راه دولت را به مشارکت دموکراتیک قدرت ترغیب کنند و وادارند، ضمن اینکه راههایی را نیز به منظور کاهش فشار نهادهای اقتصادی امپریالیستی و نهادهای نظامی بر دولت بیابند. هم زمان، دستگاه ارتش نیز بیکار نمی نشیند و برای توطئه برضد دولت و سرنگون کردن آن بهانه سازی و زمینه چینی می کند. در چنین موردهایی، نیروهای مردمی می بایست از فشار خود بر دولت بکاهند و هرچه در توان دارند برای محافظت از دولت منتخب آرای مردم به کار گیرند. اگر دولت پیش از پایان یافتن دوره حکومتش سرنگون شود، آنگاه وظیفه نیروهای ترقی خواه و چپ این است که دو گام از جبهه مبارزه طبقاتی به پس بنشینند و مبارزه با دیکتاتوری را در مرکز توجه خود قرار دهند، حتی اگر مجبور باشند به رغم تمایل خود با طبقه حاکم متحد شوند. علت درپیش گرفتن چنین تاکتیکی این است که رژیم های دیکتاتوری نه فقط حقوق دموکراتیک مردم را ضایع می کنند، بلکه با فراهم آوردن شرایط سازمان یابی مجدد نیروهای "جهاد"ی و تاریکاندیش، به فعالیت های ویرانگر "جهاد" رونق می دهند چندان که کل جامعه درگیر فرقه گرایی مذهبی می شود. از دید ما، باید اجازه داد که حزب و نیروهای حاکم، دوره حکومت خود را ادامه دهند و به پایان برسانند. برکنار کردن دولت از قدرت باید در اختیار مردم باشد، چه از طریق رای گیری و انتخابات، چه از راه اعتراض، تظاهرات، و جز این ها. در وضعیت بحرانی کنونی، نه فقط خطری اساسی دولت منتخب را تهدید می کند، بلکه ارتش نیز سرگرم گردهم آوردن همه به اصطلاح نیروهای میانه روی مذهبی (بخوان: تاریکاندیشان افراطی)، به زیر رهبری "عمران خان"، و در پوشش ایجاد تغییر است. از سوی دیگر و هم زمان با این رخدادها، فعالیت "جماعت الدعوة" (الشکر الطیبه)- که مرکز نیروهای راست گرا و منادی اصلی وحدت همه شاخه های سیاسی "جهاد" به نام "شورای دفاع پاکستان" است- در آینده ای نه چندان دور به تبدیل پاکستان به کشوری با حکومت مذهبی قرون وسطایی منجر خواهد شد. نتیجه اینکه، در داخل کشور، زندگی و فعالیت نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک به شدت در خطر خواهد افتاد. علاوه بر آن، فعالیت مداخله گرانه نیروهای مذهبی در منطقه افزایش خواهد یافت که نتیجه آن چیزی نخواهد بود جز آنکه پاکستان به کانون جنگ های مذهبی ویرانگر تبدیل شود. در حال حاضر در پاکستان نیروهای ناسیونالیست چپ، چپ گرا، چپ میانه، شیعیان، و دیگر اقلیت های مذهبی، از دولت کنونی پشتیبانی می کنند. این پشتیبانی فقط به همان دلیل های روشنی است که پیش تر به آن اشاره شد، گرچه آن ها خواست مشترک خود را نیز مبنی بر برگزاری انتخابات در موعد مقرر با صدای رسا اعلام می کنند. در شرایط کنونی، این نیروها زیر فشار، تهدید، ارباب، اذیت و آزار خشونت آمیز و سرکوب از سوی نیروهای افراطی مذهبی قرار دارند. از طرفی یک نهاد نظامی مسلح، و در کنار آن، دار و دسته تا بن دندان مسلح "جهاد"ی را داریم، که مورد حمایت



دنبال می‌کند که همخوان با هماهنگی با سیاست آمریکا در این زمینه است؛

۴. در عین حال، تقابل و تضاد جدی و عمیقی نیز میان نظامیان و دولت غیرنظامی بر سر رابطه با

هندوستان وجود دارد. دولت تمایل به عادی‌سازی روابط با هندوستان دارد که در نقطه مقابل خط مشی ژنرال‌ها قرار دارد. ژنرال‌ها در پی آنند که مسئله کشمیر و تهدید امنیتی دروغین از سوی هندوستان را به هر قیمتی شده زنده نگاه دارند تا از این طریق نیاز به افزایش مداوم و بی‌رویه بودجه نظامی و تقویت پرسنلی ارتش را توجیه کنند. در نظر آنان، تنها از طریق تقویت نقش نهادهای نظامی است که می‌توان امنیت و موقعیت پاکستان را تأمین و تضمین کرد؛

۵. اختلاف اساسی دیگری که میان دولت غیرنظامی و ارتش وجود دارد، بر سر سیاست‌های پنتاگون و جمهوری خواهان آمریکا در برابر ایران است. به نظر ما در آمریکا دو مرکز قدرت وجود دارد: یکی کاخ سفید است و دیگری پنتاگون. به همین ترتیب، در پاکستان نیز دو مرکز قدرت شکل گرفته است: یکی ریاست جمهوری است، که از سوی مجلس نمایندگان، نیروهای ترقی خواه، و لیبرال-دموکرات‌های جامعه حمایت می‌شود؛ و دیگری ستاد ژنرال‌هاست، که از سوی قوه قضاییه (دیوان عالی پاکستان) و گروه‌های بنیادگرای مذهبی به طور گسترده حمایت می‌شود، و مرکز تجمع نیروهای راست‌گرای کشور است.

اختلاف‌های پیش‌گفته در میان این مرکزهای قدرت، اکنون به اوج خود رسیده است و عمیق‌تر شدن آن موجب شده است که “پنتاگون” یکی از دو مرکز قدرت در آمریکا-در شرایط معینی، در صورت اقدام نظامی احتمالی آمریکا بر ضد ایران، پشتیبانی تدارکاتی و کمک ارتش پاکستان را خواستار باشد. این در حالی است که دولت غیرنظامی پاکستان تلاش دارد با مانورهای حساب شده و محتاطانه در برابر “کاخ سفید”، از تجاوز نظامی احتمالی آمریکا بر ضد ایران پیشگیری کند. در همین حال، شکست سیاست‌های درازمدت پاکستان در ارتباط با افغانستان و نقش بزرگ‌تری که هندوستان به عهده گرفته است، موجب شده است که ژنرال‌های پاکستانی به شدت نسبت به “کاخ سفید” معترض شوند. در همین جا باید گفت که، از لحاظ دنبال کردن و اجرای سیاست‌های اقتصادی امپریالیستی “صندوق بین‌المللی پول” و “بانک جهانی”، ذره‌یی تفاوت میان ارتش و دولت غیرنظامی پاکستان وجود ندارد.

ادامه در صفحه ۱۱

مصاحبه “نامه مردم” با رفیق امداد قاضی، دبیر کل حزب کمونیست پاکستان،

ابره‌های تیره بر فراز پاکستان

بحران سیاسی کنونی پاکستان به مرحله خطرناک و فاجعه‌باری رسیده است، و این نه تنها ثبات سیاسی کشور را تهدید می‌کند، بلکه در رخدادهای جنوب آسیا و کشورهای همسایه، از جمله ایران، افغانستان، و چین پیامدهای ناگوار گسترده‌ی خواهد داشت. در چارچوب تبادل نظرهای انجام شده بین حزب توده ایران و حزب‌های کمونیست و ترقی خواه کشورهای همسایه، رفیق امداد قاضی، دبیر کل حزب کمونیست پاکستان، در پاسخ به سؤال‌ها و موضوع‌هایی که از سوی نمایندگان حزب توده ایران در رابطه با تحول‌های سیاسی ماه‌های اخیر در این کشور و ریشه‌یابی‌های آن‌ها مطرح شد، ارزیابی فشرده‌یی از وضعیت بحرانی کنونی پاکستان ارائه داد، که برای اطلاع خوانندگان “نامه مردم”، در زیر می‌آید:

بحران سیاسی کنونی پاکستان، سهمناک‌ترین کشمکش است که تا کنون در میان نهادهای حکومت وجود داشته، و به مرور زمان به ایجاد بن بست‌هایی جدی در اداره امور کشور منجر شده است. برای فهم بهتر علت‌های بنیادی این بحران، لازم است که شرایط و زمینه‌های آن را به دقت تحلیل و ارزیابی کنیم. ۱. ارتش پاکستان دیگر صرفاً یک نهاد انتظامی و امنیتی نیست، بلکه به یک شرکت اقتصادی و صنعتی به معنای واقعی تبدیل شده است. موقعیت اقتصادی و کاری ژنرال‌های ارتش طوری است که میزان کسب‌وکار آنان چندین برابر میزان کسب‌وکارهای غیرنظامیان است. به دلیل همین منافع اقتصادی است که حقوق و امتیازهای ویژه سیاسی، و حفظ قدرت و تسلط بر شاخه‌های قدرت دولتی اکنون برای آنان در حکم هوایی است که برای زنده ماندن به آن نیاز دارند. بنابراین، ارتش، و نظامیان، به عنوان یک طبقه، به هیچ‌وجه نمی‌توانند زیر بار این امر بروند که دولتی غیرنظامی بخواهد مستقل از نظر موافق و مساعد نیروهای مسلح، امور کشور را در دست بگیرد؛

۲. در میان کسب‌وکارهای فراوان ارتش، غیر از صادرات و واردات و صنایع گوناگون، “جهاد” هم یکی از اساسی‌ترین عرصه‌های سودآوری است که طی سال‌های دراز فعالیت (حدود ۴۰ سال گذشته) زیر چتر حمایتی امپریالیسم آمریکا، حیطه کار خود را به میزان زیادی گسترش داده و رشد یافته است. در نتیجه، تقریباً همه ژنرال‌های پنج‌ستاره در مدت زمان کوتاهی میلیاردر شده‌اند، و در رده‌های پایین‌تر افسری هم تقریباً همه در مدتی کوتاه میلیونر شده‌اند؛

۳. به نظر می‌آید که دولت “حزب دموکرات” اواما مایل است برای حل و فصل مسئله افغانستان راهی بیابد تا شاید بتواند هزینه‌های سرسام‌آور خود را در آنجا کاهش دهد. آمریکایی‌ها بسیار امیدوار بودند که با نصب یک دولت دوست و مصالحه‌گر در کابل بتوانند در این کار موفق شوند. در این صورت این بدین معنا بود که ژنرال‌های پاکستانی سودهای سرشاری را که از جریان “جهاد” می‌بردند، از دست بدهند. در نتیجه، اینک ژنرال‌ها به هر وسیله‌ی متوسل می‌شوند تا وضعیت سابق را در افغانستان حفظ کنند تا سودآوری حاصل از “جهاد” را بتوانند ادامه دهند. دولت کنونی پاکستان، تا حد زیادی، سیاستی را

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس‌های اینترنت و “ای-میل” http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 887
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

30 January 2012

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
790 0205 80
BIC: BELADEBEXX